■ چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ ■ ۲۰ محرم ۱۴۴۷ ■ ۱۶ July ۲۰۲۵ ■ سال اول ■ شماره ۲۲۷ ■ قیمت: ۱۰ هزار تومان

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق

Charsoghnewspaper

دولت شهید رئیسی تقریبا ۲ برابر سایر دولت‌ها در زمینه اشتغالزایی موفق بوده است

نزول اشتغالزایی به روند دولت‌های قبل از رئیسی

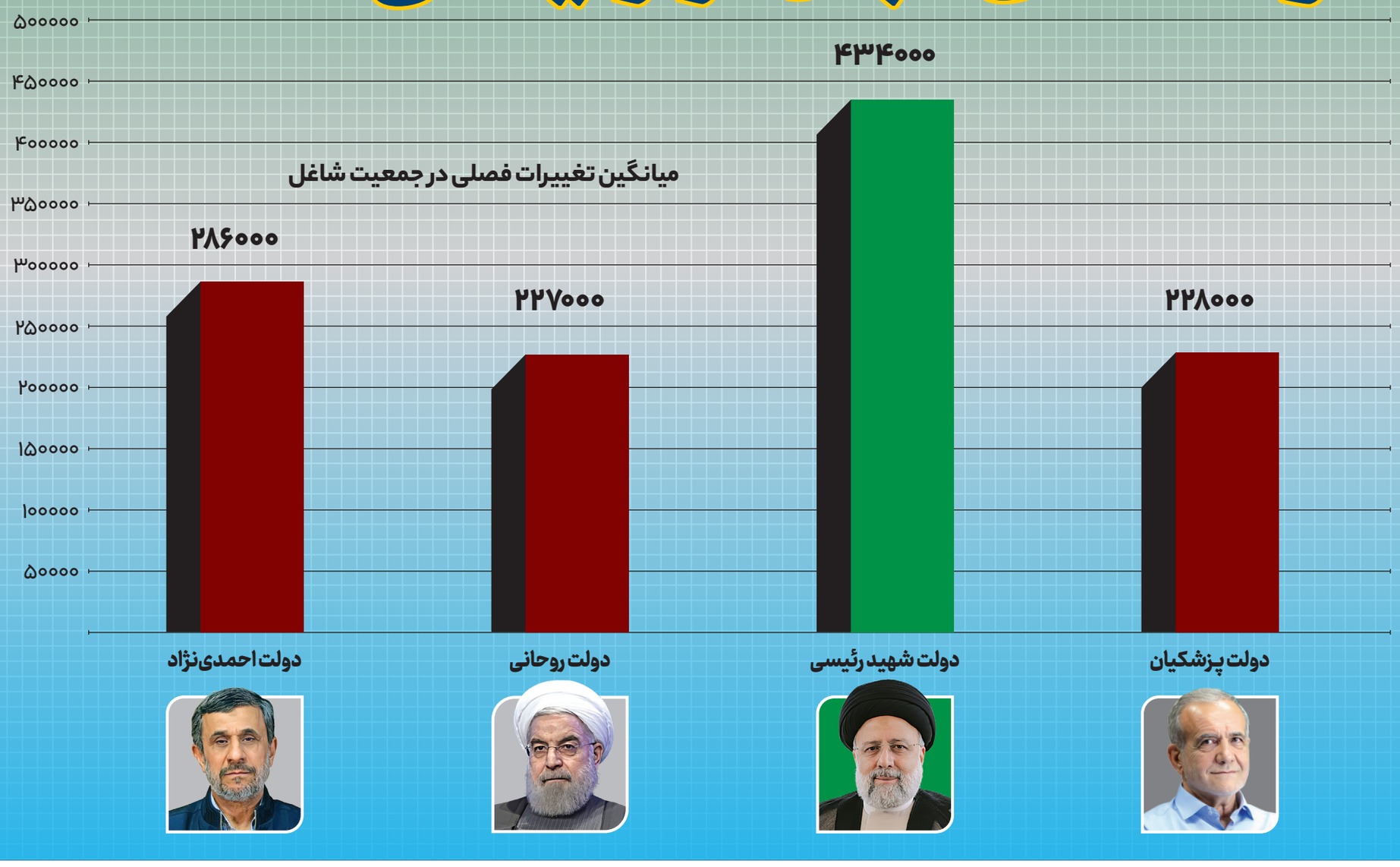

دولت سیزدهم موفق‌ترین دولت در ایجاد و حفظ اشتغال

مقایسه اطلاعات مرکز آمار درباره میانگین تغییرات فصلی در جمعیت شاغل کشور در دولت‌های اخیر بیانگر آن است که دولت شهید رئیسی موفق‌ترین دولت در ایجاد و حفظ اشتغال در کشور بوده است و دولت‌های قبل و بعد از آن عملکرد تقریبا یکسانی داشته‌اند. در دولت شهید رئیسی وضعیت اشتغالزایی تقریبا دو برابر دولت‌های قبل و بعد از آن بوده است.

براساس گزارش مرکز آمار، تعداد شاغلان هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل، به عنوان شاخص تغییر در آمار شاغلان محاسبه می‌شود. در شرایطی که اقتصاد کشور دچار رکود شود، طبیعی است که تعداد شاغلان نسبت به فصل مشابه سال قبل کمتر خواهد شد و شاخص اشتغالزایی منفی خواهد بود. اما اگر سیاست‌های دولت در ایجاد رونق در اقتصاد به نتیجه برسد، شاهد افزایش تعداد شاغلان نسبت به فصل مشابه سال قبل خواهیم بود و شاخص اشتغالزایی مثبت می‌شود.

علت مقایسه تعداد شاغلان در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل، این است که به علت تغییرات آب‌وهوایی و وجود مشاغل فصلی در کشور، مقایسه تعداد شاغلان نسبت به فصل قبل همان سال، آمار منحرف‌کننده‌ای به دست می‌دهد. مثلا طبیعی است که تعداد شاغلان در پاییز هر سال نسبت به تابستان همان سال، به علت کاهش مشاغل فصلی در بخش‌های کشاورزی و ساخت‌وساز کمتر می‌شود و نمی‌توان این نزول را نشانه رکود اقتصاد دانست. بلکه باید تعداد شاغلان در فصل پاییز هر سال را نسبت به پاییز سال قبل مقایسه کرد تا در شرایط فصلی و موسمی یکسان، وضعیت اشتغال را سنجید.

نصف شدن اشتغالزایی در دولت چهاردهم

دولت چهاردهم از اواسط تابستان ۱۴۰۳ شروع به کار کرد اما طبیعی است که با توجه به تشکیل کابینه از اول شهریور، خروجی سیاست‌های اقتصادی آن را باید از پاییز ۱۴۰۳ به حساب آورد. بنابراین دولت چهاردهم تاکنون ۳ فصل عملکردی داشته است: پاییز و زمستان ۱۴۰۳ و بهار ۱۴۰۴.

طبق گزارش مرکز آمار میانگین تغییرات فصلی در جمعیت شاغل در دوره دولت چهاردهم تاکنون ۲۲۸ هزار نفر بوده است.

این درحالی است که در ۱۲ فصل عملکرد دولت شهید رئیسی (پاییز ۱۴۰۰ تا تابستان ۱۴۰۳) میانگین تغییرات فصلی در جمعیت شاغل ۴۳۴ هزار نفر بود. مقایسه این دو رقم نشان می‌دهد که در دولت چهاردهم تاکنون وضعیت اشتغالزایی نسبت به دولت شهید رئیسی نصف شده است.

البته دولت پزشکیان نسبت به دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی، عملکرد خیلی متفاوتی در اشتغال نداشته است.

در ۳۲ فصل عملکرد دولت حسن روحانی میانگین تغییرات فصلی در جمعیت شاغل ۲۲۷ هزار نفر و در دولت احمدی‌نژاد ۲۸۶ هزار نفر بود.

مقایسه آمار عملکرد دولت‌های اخیر در میانگین تغییرات فصلی در جمعیت شاغل نشان می‌دهد دولت شهید رئیسی تقریبا ۲ برابر سایر دولت‌ها در زمینه اشتغالزایی موفق بوده است. در دولت پزشکیان وضعیت اشتغالزایی به روند دولت‌های قبل از شهید رئیسی بازگشته اما نسبت به دولت سیزدهم تقریبا نصف شده است.

ابقای سه تن از فقهای شورای نگهبان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی سه عضو فقیه شورای نگهبان را برای یک دوره دیگر منصوب کردند.

در پی نامه آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان مبنی بر پایان عضویت آقایان حاج سیداحمد خاتمی، حاج شیخ علیرضا اعرافی و حاج سیداحمد حسینی خراسانی در تاریخ ۲۵ تیرماه، رهبر انقلاب در پاسخ مرقوم فرمودند: «با سلام و تحیت، حضرات محترم نامبرده را مجدداً به عضویت فقهای شورای نگهبان منصوب می‌کنم.»

براساس اصل ۹۱ قانون اساسی، ۶ عضو فقیه شورای نگهبان از جانب رهبر انقلاب منصوب می‌شوند. براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی نصب و عزل فقهای شورای نگهبان با رهبر انقلاب است. ۶ عضو حقوقدان شورای نگهبان نیز از میان حقوقدانانی که رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کند، با رای نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند.

انسجام مردم، توطئه دشمن را در دفاع مقدس ۱۲ روزه بی‌اثر کرد

رئیس جمهور گفت: مردم ایران اسلامی در دفاع مقدس ۱۲ روزه، تصویری بی‌سابقه و افتخارآمیز از رشادت، شهامت و صلابت به نمایش گذاشتند و توطئه دشمن را بی‌اثر کردند.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، رئیس جمهور صبح سه‌شنبه در مراسم تجلیل از تلاش‌های کارکنان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دوران جنگ تحمیلی رژیم صهیونی، ضمن گرامیداشت یاد همه شهیدان این جنایت اظهار داشت: رژیم صهیونی تصور می‌کرد، پس از به شهادت رساندن فرماندهان نیروهای مسلح کشورمان که عمر و زندگی خود را وقف سربلندی ایران اسلامی کرده بودند، نظام دچار مشکل می‌شود، اما درایت رهبر معظم انقلاب اسلامی و انتصاب فوری جانشین فرماندهان به شهادت رسیده و از سوی دیگر دفاع مقتدرانه نیروهای مسلح، نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کرد.

مسعود پزشکیان با اشاره به اینکه مردم ایران اسلامی نیز در این مقطع تصویری بی‌سابقه و افتخارآمیز از رشادت، شهامت و صلابت به نمایش گذاشتند، افزود: کار بزرگتر و مهمتر را مردم ایران کردند؛ نقشه دشمن این بود که در فاصله کوتاهی از آغاز حملاتش، مردم ناراضی شده، به خیابان‌ها خواهند آمد و نظام جمهوری اسلامی ایران سقوط خواهد کرد، اما مردم نیز در برابر دشمن ایستادند و توطئه‌های او را بی‌اثر کردند.

رئیس جمهور با بیان اینکه حتی کسانی که مورد جفا قرار گرفته بودند و با آنان برخوردهای مناسبی صورت نگرفته بود، کسانی که در زندان بودند یا کسانی که با نارضایتی کشور را ترک کرده بودند نیز به دفاع از کشور برخاستند، تصریح کرد: این سرمایه وحدت و انسجام که در این ۱۲ روز ایجاد شده به هیچ‌وجه قابل قیمت‌گذاری نیست. البته جای تأسف و شرمساری است که عده معدودی نیز خفت خیانت و وطن‌فروشی را به جان خریدند و از یک رژیم وحشی، جنایتکار و نسل‌کش و کودک‌کش حمایت کردند.

مسعود پزشکیان گفت: درست است کسانی را که در این ۱۲ روز از دست دادیم، بسیار ارزشمند و عزیز بودند، اما وفاق و همدلی که به دست آوردیم بسیار گرانقدرتر است. ایران متعلق به همه ما فارغ از نژاد، جنسیت، زبان، قومیت و مذهب می‌باشد و هر کس که علاقه‌مند به خدمتگزاری به کشور و مردم است، باید صرفاً بر اساس شایستگی‌ها و توانمندی‌هایش مجال و فرصت خدمت داشته باشد؛ ملاک برتری افراد فقط برخورداری از تقوا است و تقوا نه تعبد ظاهری، بلکه تعهد به انجام دادن صحیح کارها و ماموریت‌ها است.

رئیس جمهور با بیان اینکه نباید اجازه دهیم براساس ظواهر یا تفاوت نظرات در حق افراد شایسته اجحاف شود، خاطرنشان کرد: باید تلاش کنیم وحدت، انسجام و همدلی ایجاد شده در کشور را حفظ کرده و برای ساختن و آبادانی ایران از هیچ تلاشی دریغ نورزیم.

مسعود پزشکیان با تاکید بر اینکه زندگی فانی است، اما عزت و شرف ابدی و باقی هستند، افزود: امیدوارم خداوند ما را یاری کند تا در برابر این ملت شریف شرمنده نباشیم. ما بار سنگینی در عرصه خدمتگزاری بر عهده داریم و باید تلاش کنیم ایران را به نحوی که شایسته این ملت است، بسازیم. طی این مسیر نه با حرف که با عمل و اقدام ممکن است.

رئیس جمهور در ادامه با اشاره به پیشبرد طرح محله محوری تصریح کرد: هر کسی هر توانمندی دارد می‌تواند در محله خود ارائه دهد و به حل مشکلات کمک کند، دولت نیز تمام قد از این تلاش‌ها حمایت می‌کند. در این مسیر مهم نیست که افراد لزوماً همسو با ما هستند یا نه و آیا باورهای آنها شبیه ما هست یا نه؟ مهم این است که باور داشته باشیم خدمت به مردم و رفع مشکلات آنها موجب رضایت خالق است؛ معنای اسلام و تسلیم همین تلاش برای کسب رضایت خداوند در مسیر خدمت به مردم است.

مسعود پزشکیان در پایان با قدردانی صمیمانه از همه تلاش‌های صورت گرفته برای خدمت به مردم در مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دوران جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی گفت: می‌دانم که از دست دادن عزیزان چقدر سخت است، اما زندگی جریان دارد و ما مأمور به تلاش برای ساختن آینده‌ای روشن برای کشور، مردم و فرزندانمان هستیم.

تأکید سازمان شانگهای بر تضمین حق مشروع هسته‌ای ایران

وزیر خارجه روسیه در پایان نشست شورای وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای اعلام کرد: اعضای این سازمان بر تعهد خود در زمینه تضمین حق مشروع ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید کردند. به گزارش خبرگزاری صداوسیما، سرگئی لاوروف این سخنان را سه‌شنبه در کنفرانس مطبوعاتی در تیان‌جین چین بیان کرد.

وزیر امور خارجه روسیه در پاسخ به پرسش دیگری درباره ملاقات روز سه‌شنبه وی با همتای ایرانی نیز گفت: در دیدار با عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران، در مورد راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز احتمالی برای موضوع هسته‌ای ایران گفت‌وگو کردم.

لاوروف افزود: ما در مورد رویکردهای واقع‌بینانه برای تضمین راه‌حل به دست‌آمده از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک مسالمت‌آمیز و با احترام به تصمیماتی که مدت‌ها پیش در جمهوری اسلامی ایران در زمینه انصراف از داشتن سلاح هسته‌ای گرفته شده است، گفت‌وگو کردیم.

وزیر امور خارجه روسیه گفت: هیچ فردی از جمله بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تاکنون هیچ مدرکی خلاف اعلام تهران مبنی بر حرکت در مسیر صلح‌آمیز اتمی ارائه نکرده است.

لاوروف افزود: دومین اصل مهم این است که راه‌حل‌های موضوع هسته‌ای ایران نباید حقوق مشروع تهران به عنوان عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را از نظر توانایی غنی‌سازی اورانیوم برای اهداف مربوط به تأمین انرژی نقض کند.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ ■ سال اول ■ شماره ۲۲۷

خبر

درخواست واگذاری رأی سهام عدالت در تضاد با مصوبات و حقوق سهامداران؟

ادعای مطرح‌شده درباره درخواست یکی از اعضای دولت برای واگذاری رأی سهام عدالت در مجامع به یک نهاد دولتی، در صورت صحت، اقدامی تلقی می‌شود که برخلاف مصوبات شورای عالی بورس، مغایر با نظر مراجع بالادستی، در راستای کاهش سود تقسیمی و در تضاد با حقوق مالکانه میلیون‌ها سهامدار است.

در نیمه تیرماه، برخی منابع غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی مدعی شدند که وزیر صمت در نامه‌ای خطاب به محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور درخواست کرده تا اختیار رأی سهام عدالت در مجامع شرکت‌های معدنی به سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران ایمیدرو سپرده شود؛ اقدامی که حرکتی در تضاد با مصوبات شورای عالی بورس، مغایر با نظر نهادهای بالادستی، زمینه‌ساز تقسیم سود پایین و تهدیدی برای حقوق سهامداران شمرده می‌شود.

در حالی که متن نامه هنوز منتشر نشده و از سوی هیچ یک از نهادهای رسمی تأیید نشده، محتوای آن از جهات مختلف، با انتقادها و نگرانی‌های جدی مواجه است. این نگرانی نه صرفاً به دلیل احتمال نقض قوانین، بلکه به دلیل اثرات بالقوه‌ای است که چنین تصمیمی می‌تواند بر ساختار بازار سرمایه و حقوق سهامداران داشته باشد. در چند سال اخیر، برخی مقامات حوزه معدن، به‌ویژه در سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، بارها از ضرورت تخصیص منابع شرکت‌ها به پروژه‌های زیرساختی سخن گفته‌اند. حال اگر این ایده در قالبی رسمی پیگیری شود، ساختار استقلال شرکت‌های بورسی، به‌ویژه آن‌هایی که سهم بزرگی از سهامشان در اختیار سهام عدالت است، دچار تزلزل خواهد شد.

طبق قوانین و مصوبات شورای عالی بورس، سهام عدالت یک دارایی فردی است که در قالب مالکیت عمومی توزیع شده و اعمال حق رأی در آن فقط از مسیر قانونی ممکن است؛ یعنی از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی یا سهامداران مستقیم. واگذاری این حق به یک نهاد اجرایی، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، بدون رضایت مالکان سهام، نه فقط فاقد پشتوانه حقوقی است، بلکه با ماهیت آزادسازی سهام عدالت در تضاد آشکار قرار دارد. این مصوبات نه فقط شکلی از نظم اداری، بلکه تضمینی برای جلوگیری از بازگشت مدیریت دولتی بر دارایی‌های مردمی تلقی می‌شوند.

از منظر سیاست‌گذاری کلان نیز، این پیشنهاد به وضوح با اصول خصوصی‌سازی مغایرت دارد. سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی دولت را موظف می‌کند از تصدی‌گری در اداره بنگاه‌ها فاصله بگیرد و میدان را به مشارکت مردمی بسپارد. اگرچه ممکن است برخی نهادهای دولتی با نیت توسعه و گسترش زیرساخت‌های اقتصادی چنین ایده‌هایی را مطرح کنند اما واگذاری اختیار مالکانه به دولت، فارغ از نیت طراحان، به معنای عقب‌گرد از یک مسیر قانونی تثبیت‌شده است؛ آن هم در شرایطی که بخش زیادی از سهامداران عدالت، سال‌هاست که از مشارکت واقعی در مدیریت دارایی خود محروم مانده‌اند.

تأثیر احتمالی بر سود سهامداران خرد

نگرانی دیگری که به‌ویژه از سوی فعالان بازار سرمایه مطرح می‌شود، مربوط به تأثیر این اقدام بر سیاست تقسیم سود شرکت‌هاست. شرکت‌های بزرگ معدنی معمولاً به دلیل سودآوری بالا، محل توجه مجامع عمومی و سهامداران هستند. اگر تصمیم‌گیری درباره سود آن‌ها به نهادهای دولتی سپرده شود، این احتمال وجود دارد که سهم سود نقدی به نفع سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای کاهش یابد. در ظاهر این رویکرد توسعه‌محور است اما در عمل ممکن است آسیب مستقیم به معیشت میلیون‌ها سهامدار عدالت وارد کند که انتظار دارند حداقلی از این سود، هر سال به شکل نقدی به دستشان برسد.

در نگاهی دقیق‌تر، این تصمیم می‌تواند تبعاتی برای اعتماد عمومی به بازار سرمایه نیز به همراه داشته باشد. بازار سرمایه زمانی کارکرد مؤثر خواهد داشت که سهامداران احساس کنند در ساختار تصمیم‌گیری حضور دارند و حقشان رعایت می‌شود. اگر اختیار رأی میلیون‌ها سهامدار، بدون رضایتشان به نهادی دیگر منتقل شود، نه فقط احساس بی‌اختیاری را تقویت می‌کند، بلکه ممکن است زمینه‌ساز بی‌اعتمادی، خروج سرمایه و افت شاخص‌ها نیز شود. این در حالی است که بازار سرمایه ایران بیش از هر زمان به ثبات و اطمینان نیاز دارد.

ابهام در حدود اختیارات نهادهای دولتی

نکته دیگر، بُعد حقوقی و قانونی ماجراست. مطابق قانون تجارت، حق رأی از عناصر اصلی مالکیت سهام است و هیچ نهادی، حتی با هدف توسعه، نمی‌تواند آن را بدون نمایندگی یا اختیار قانونی منتقل کند. این نه فقط یک چالش حقوقی، بلکه یک اصل بنیادی در ساختار بازارهای آزاد است. اگر دولت یا نهادهای وابسته به آن بتوانند از مسیرهای فرعی چنین اختیاراتی را به دست بگیرند، عملاً مرز میان دارایی دولتی و مالکیت مردمی مخدوش خواهد شد.

با اینکه هنوز هیچ سندی از این نامه منتشر نشده و هیچ مقام رسمی آن را تأیید نکرده است، مشابهت‌هایی میان محتوای این ادعا و مواضع گذشته برخی مدیران دولتی وجود دارد. به عنوان مثال در خردادماه، محمد آقاجانلو، رئیس هیات عامل ایمیدرو در جلسه‌ای با اعضای دولت از لزوم بازگرداندن بخش عمده درآمد شرکت‌های واگذارشده به بدنه وزارتخانه سخن گفته بود. چنین نگاه‌هایی اگر به سیاست اجرایی تبدیل شوند، ممکن است فرآیند خصوصی‌سازی را از مسیر خود خارج کنند.

اگرچه توسعه و سرمایه‌گذاری در بخش معدن هدفی ملی و ضروری است اما این توسعه نباید با دست‌اندازی به حقوق مالکانه مردم و تضعیف اعتماد به بازار سرمایه همراه شود. واگذاری رأی سهام عدالت به نهادهای دولتی حتی به صورت موقت یا توجیه‌شده هم با قوانین موجود در تعارض است، هم با فلسفه سهام عدالت ناسازگار. حفظ استقلال ساختار بازار سرمایه، احترام به اراده سهامداران و شفافیت در مالکیت بنگاه‌ها، اصولی نیستند که بتوان آن‌ها را با هدف تسریع در اجرای برنامه‌های دولتی کنار گذاشت.

اثرات احتمالی بستن تنگه هرمز بر بازار جهانی گاز طبیعی

گزارش

مصطفی عباسیان

بسته شدن تنگه هرمز می‌تواند به کاهش عرضه جهانی گاز طبیعی مایع‌شده (LNG)، جهش شدید قیمت‌ها و اختلال در واردات گاز اروپا و آسیا منجر شود. از این رو ایران می‌تواند با بهره‌گیری هوشمندانه از این اهرم ژئوپلیتیکی، در قالب تهدید کنترل‌شده، دیپلماسی انرژی و تنوع مسیرهای صادراتی، قدرت چانه‌زنی خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش دهد.

تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین مسیرهای کشتیرانی انرژی در جهان به شمار می‌رود. روزانه حدود ۲۰ درصد از نفت جهانی و نزدیک به همین میزان از صادرات جهانی گاز طبیعی مایع‌شده (LNG) از این آبراه عبور می‌کند. در پی تنش‌های ژئوپلیتیکی فزاینده در خاورمیانه، سناریوی فرضی بستن این تنگه به‌عنوان ابزار فشار سیاسی و نظامی، همواره در محافل تحلیل انرژی و امنیت بین‌الملل مطرح بوده است. در صورت وقوع این رخداد، شوک بزرگی به بازار LNG وارد خواهد شد که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

ساختار صادرات گاز طبیعی در منطقه و اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز

مطابق آمارها، مجموع صادرات LNG از دو کشور قطر و امارات در ۱۲ ماه منتهی به مه ۲۰۲۵، حدود ۱۱۵ میلیارد مترمکعب بوده است. بیش از ۸۰ درصد این صادرات به مقاصد آسیایی نظیر چین، هند، کره جنوبی، تایوان، پاکستان و بنگلادش اختصاص دارد. مقاصد اروپایی نیز بخش مهمی از باقیمانده صادرات را تشکیل می‌دهند که شامل ایتالیا، بلژیک، لهستان و برخی دیگر از کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. کشور عمان به‌رغم آنکه صادرکننده LNG است، به دلیل موقعیت جغرافیایی پایانه‌های صادراتی‌اش در دریای عمان، نیازی به عبور از تنگه هرمز ندارد.

گاز طبیعی

اهمیت این توزیع صادرات در آن است که در صورت اختلال در تنگه، بازارهای آسیایی و اروپایی به‌طور مستقیم و شدیدی متأثر می‌شوند. بسته شدن تنگه هرمز می‌تواند معادل از دست رفتن همان حجمی از گاز باشد که اروپا پس از حمله روسیه به اوکراین از دست داد، اما این بار با تمرکز آسیب بر آسیا.

اثرات بستن تنگه بر عرضه، تقاضا و واردات جهانی گاز طبیعی

با فرض بسته بودن تنگه از ژوئیه ۲۰۲۵ تا پایان ۲۰۲۶، صادرات LNG خاورمیانه در این بازه زمانی با کاهشی معادل ۱۱۰ میلیارد مترمکعب مواجه می‌شود. هرچند استرالیا و آمریکا قادر خواهند بود بخشی از این کاهش را جبران کنند، اما افت خالص عرضه جهانی حدود ۸۶ میلیارد مترمکعب، معادل ۱۵ درصد از عرضه جهانی LNG در سال ۲۰۲۴ خواهد بود. واردات LNG نیز به همان میزان کاهش می‌یابد. اروپا بیشترین افت را تجربه خواهد کرد (۳۰ bcm)، در حالی که چین، هند، کره جنوبی، تایوان و کشورهای آسیای جنوب شرقی نیز کاهش‌های چشمگیری در واردات خواهند داشت. دلیل کاهش بیشتر واردات اروپا آن است که بخشی از گاز LNG آمریکایی که به اروپا اختصاص داشت، به دلیل اولویت تأمین آسیا، به آن سمت منحرف می‌شود.

در سطح تقاضا، کاهش مصرف گاز در جهان حدود ۴۳ میلیارد مترمکعب برآورد شده است. این رقم کمتر از افت واردات است، زیرا کشورهای بزرگی همچون چین و اعضای اتحادیه اروپا، بخشی از نیاز خود را از طریق برداشت از ذخایر گاز و یا افزایش واردات از خطوط لوله (مثلاً از آذربایجان و روسیه به ترکیه) جبران خواهند کرد. در ایالات متحده برخلاف سایر مناطق، تقاضا افزایش می‌یابد، چراکه افزایش قیمت جهانی زغال‌سنگ (ناشی از افزایش تقاضا برای زغال‌سنگ) سبب می‌شود گاز برای نیروگاه‌ها مقرون‌به‌صرفه‌تر باشد.

شوک قیمتی و پیامدهای اقتصاد کلان در بحران بازار گاز طبیعی

مهم‌ترین پیامد این اختلال، جهش قابل‌توجه قیمت گاز طبیعی در بازارهای جهانی است. همواره قیمت‌های TTF (اروپا)، NBP (بریتانیا) و قیمت‌های اسپات آسیایی در محدوده ۱۱ تا ۱۲ دلار در هر میلیون بی‌تی‌یو (MMBTU) قرار داشتند؛ اما با بستن تنگه، این قیمت‌ها به حدود ۲۹ دلار افزایش می‌یابد که معادل رشدی ۱۷۰ درصدی است. قیمت‌های گاز در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی حتی به بالاتر از ۳۰ دلار نیز می‌رسد، چراکه این کشورها به پایانه‌های مستقیم LNG دسترسی ندارند و گاز از غرب اروپا نمی‌تواند به سرعت منتقل شود.

این جهش قیمتی یادآور بحران انرژی سال ۲۰۲۲ است که پس از حمله روسیه به اوکراین رخ داد. با این تفاوت که در آن زمان، بخشی از افزایش قیمت ناشی از گلوگاه‌های زیرساختی بود، اما اکنون با ارتقای پایانه‌های گاز در اروپا، چنین عامل فنی در میان نیست. به هرحال، افزایش مجدد قیمت گاز به سطوح بحرانی، فشار سنگینی بر بودجه دولت‌ها وارد خواهد کرد، هزینه‌های انرژی برای خانوارها و صنایع افزایش خواهد یافت و احتمالاً نرخ تورم مجدداً اوج خواهد گرفت. همچنین، این وضعیت می‌تواند برخی تصمیمات سیاسی بلندمدت اروپا، مانند تحریم گاز روسیه را تحت‌الشعاع قرار دهد.

پیشنهادهای سیاسی برای مدیریت هوشمندانه تنش و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران

هرچند احتمال بسته شدن تنگه هرمز اندک است، اما در صورت وقوع، پیامدهای آن برای بازار جهانی گاز بسیار گسترده و مخرب خواهد بود. کاهش ۱۵ درصدی در عرضه جهانی LNG، شوک قیمتی معادل بحران انرژی سال ۲۰۲۲، افزایش فشار بر ذخایر استراتژیک انرژی و تغییر در الگوی تجارت جهانی گاز از مهم‌ترین نتایج این سناریو به شمار می‌روند. کشورهای آسیایی و اروپایی واردکننده انرژی، در صورت تداوم بحران، ناچار به بازبینی سیاست‌های وارداتی، ذخیره‌سازی و تنوع‌بخشی به منابع خود خواهند شد. این وضعیت همچنین می‌تواند برخی تصمیمات راهبردی غرب مانند تحریم انرژی روسیه را تحت تأثیر قرار دهد.

برای جمهوری اسلامی ایران، تنگه هرمز همزمان یک «نقطه قوت ژئوپلیتیکی» و یک «نقطه آسیب‌پذیری» است. از یک سو، ایران در جایگاه تنها کشوری است که کنترل مستقیم نظامی و جغرافیایی بر این تنگه حیاتی دارد. از سوی دیگر، بخش اعظم صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران نیز از همین مسیر انجام می‌شود. در چنین شرایطی، به جای استفاده مستقیم نظامی از ابزار تنگه، ایران می‌تواند با بهره‌گیری از قدرت نرم، فشار هدفمند و دیپلماسی راهبردی، از ظرفیت این گلوگاه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. پیشنهادهای کلیدی برای ایران در این شرایط:

تعریف دکترین بازدارندگی انرژی برای ایجاد هزینه پیش‌دستانه در صورت حمله یا تهدید.

تقویت دیپلماسی انرژی با کشورهای آسیایی (چین، هند، کره) برای جلب حمایت یا بی‌طرفی در بحران.

افزایش حضور دریایی قانونی در منطقه تنگه برای کنترل غیرنظامی و اعمال نظارت مشروع.

استفاده از ابزار تهدید روانی بدون اقدام عملی برای اثرگذاری بر بازارها و مذاکرات.

توسعه مسیرهای صادراتی جایگزین در جنوب شرق کشور (چابهار، همکاری با عمان و پاکستان).

استفاده از بحران انرژی برای ایجاد شکاف در اجماع غربی نسبت به تحریم یا فشار سیاسی.

مهم‌ترین پیامد این اختلال، جهش قابل‌توجه قیمت گاز طبیعی در بازارهای جهانی است. همواره قیمت‌های TTF (اروپا)، NBP (بریتانیا) و قیمت‌های اسپات آسیایی در محدوده ۱۱ تا ۱۲ دلار در هر میلیون بی‌تی‌یو (MMBTU) قرار داشتند؛ اما با بستن تنگه، این قیمت‌ها به حدود ۲۹ دلار افزایش می‌یابد که معادل رشدی ۱۷۰ درصدی است

اقبال مردم به سرمایه‌گذاری در حوزه رمزارز کاهش یافته است

کارشناس حوزه بلاکچین گفت: باید مخاطرات بازار رمزارزها را اعلام کرد تا اگر فردی قصد سرمایه‌گذاری دارد، ریسک‌های آن را بداند.

حامد غلامی؛ کارشناس حوزه بلاکچین با بیان اینکه، به نظر می‌رسد مردم دیگر مانند گذشته تمایلی به خرید و سرمایه‌گذاری در حوزه رمزارزها ندارند اظهار کرد: آنچه ما مشاهده می‌کنیم این است که حتی افرادی که دارایی‌های رمزارزی داشتند، پس از اتفاقی که برای نوبیتکس رخ داد، دارایی‌های خود را فروختند. درواقع عموم مردم به جز کسانی که به صورت تخصصی در این حوزه فعالیت می‌کنند، دارایی‌های خود را فروخته‌اند و تمایلی به بازگشت به بازار ندارند.

وی گفت: پیش از این، اگر بازار رشد قابل توجهی داشت و سقف قبلی را می‌شکست، پیام‌هایی دریافت می‌کردیم با این مضمون که «الآن چه ارزی بخریم؟»، «چقدر در حوزه رمزارزها سرمایه‌گذاری کنیم؟» و «چگونه این کار را انجام دهیم؟»؛ اما در حال حاضر چنین پیام‌هایی بسیار کمتر شده است. از سوی دیگر، رشد اخیر بازار چندان قابل توجه نبوده و از آنجا که قیمت تتر نسبت به ریال کاهش یافته، افزایش ریالی رمزارزها چشمگیر نبوده است و به همین دلیل، فکر می‌کنم فعلاً تمایلی برای بازگشت به بازار وجود ندارد و بسیاری در حال خروج از این حوزه هستند.

غلامی با اشاره به اینکه در مقاطعی از جنگ شاهد قطع اینترنت بوده‌ایم و با تشدید تنش در آینده نیز چنین اتفاقی دور از انتظار نیست، گفت: بسیاری از افراد در زمان قطعی اینترنت که امکان انجام معاملات را نداشتند، از شرایط بازار رمزارزها متضرر شدند و با وصل شدن اینترنت به تدریج در حال خارج شدن از بازار هستند. در حال حاضر در صرافی‌های رمزارز تدابیر خاصی دیده نشده که افراد در زمان قطعی اینترنت به دارایی خود دسترسی داشته باشند که این ریسک بزرگی است.

این کارشناس حوزه بلاکچین با بیان اینکه حوزه رمزارزها مخاطرات بسیاری برای سرمایه‌گذاران به همراه دارد و با تاکید بر اینکه افراد باید پیش از سرمایه‌گذاری از این خطرها مطلع باشند، ادامه داد: خطر اصلی این است که تتر به راحتی می‌تواند ولت‌ها یا کیف پول الکترونیکی را فلگ (Flag) کند و با استفاده از سیستم‌هایی مانند آرخام (Arkham)، همه می‌توانند این موضوع را به وضوح مشاهده کنند. ما در گذشته نیز هشدار دادیم و از صرافی‌ها درخواست کردیم که حداقل به کاربران خود گزارش دهند که اگر قصد خروج دارایی را دارند، به صورت تتر این کار را انجام ندهند و از توکن‌های دیگری مانند دای (DAI) یا کوین‌های اصلی شبکه (مثلاً ترون) استفاده کنند. البته با این کار ممکن است دارایی افراد تحت تأثیر نوسانات قیمتی آن توکن‌ها قرار گیرد، اما به عنوان یک راهکار برای امنیت بیشتر پیشنهاد می‌شود.

وی با بیان اینکه متأسفانه شاهد کم‌کاری صرافی‌ها در زمینه شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی به موقع به مردم بوده‌ایم، اظهار کرد: ما بارها حتی با مدیران اصلی صرافی‌ها گفت‌وگو کردیم، اما آنها این خطرات را به کاربران منتقل نکردند تا اینکه اتفاق نوبیتکس رخ داد. با این حال، هنوز هم به اندازه کافی به این موضوع توجه نمی‌شود و در زمان خطر، صرافی‌ها اعلام نمی‌کنند که کاربران دارایی‌های خود را از صرافی خارج کنند. وقتی ۱۰۰ میلیون دلار که رقم کمی نیست، در پی هک نوبیتکس از بین می‌رود و دارایی کاربران به خطر می‌افتد، تمام صرافی‌ها باید اقدامات امنیتی و احتیاطی خود را چندین برابر کنند، اما این اتفاق نیافتاده است. در حال حاضر حتی اگر نوبیتکس بخواهد پیگیری قانونی کند، آن دارایی‌ها غیرقابل بازگشت هستند؛ زیرا هکر آدرس‌ها را به گونه‌ای تغییر داده که حتی خودش هم دیگر به آن دسترسی ندارد و درواقع آن ۱۰۰ میلیون دلار کاملاً نابود شده است.

صرافی‌ها باید مخاطرات بازار رمزارزها را به مردم گوشزد کنند

این کارشناس حوزه بلاکچین در ادامه گفت: پیش از این فکر می‌کردیم که فقط ولت‌های با مبالغ بالا مثلاً ۱۰ یا ۲۰ هزار دلار فلگ می‌شوند، اما اخیراً حتی ولت‌های با موجودی هزار دلار نیز فلگ شده‌اند. این موضوع بسیار خطرناک است و فعالیت ایرانی‌ها در این حوزه را با مشکل مواجه کرده است. صرافی‌ها باید روی این موضوع تمرکز کنند که مخاطرات این حوزه را به کاربران خود بگویند تا اگر فردی قصد سرمایه‌گذاری دارد، ریسک‌های آن را بداند. متأسفانه صرافی‌ها تاکنون این خطرات را به مشتریان خود منتقل نکرده‌اند و همیشه ادعا می‌کردند که خدمات آنها همیشه در دسترس است.

غلامی با بیان اینکه اگر اینترنت قطع شود، مردم به دارایی‌های خود دسترسی نخواهند داشت، اظهار کرد: در آینده حتی ممکن است دشمنان با حمله سایبری باعث قطعی اینترنت شوند و در این صورت، دارندگان رمزارزها متضرر خواهند شد. اگر چنین اتفاقی بیفتد، تعداد زیادی از افراد که طبق برخی گزارش‌ها حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون کاربر رمزارز در ایران هستند، با مشکل مواجه می‌شوند.

اعتماد مردم؛ سرمایه‌ای ارزشمند در جنگ ۱۲ روزه

سهیل آل‌رسول، نایب رئیس کمیسیون خدمات فنی مهندسی و صنعت احداث اتاق بازرگانی ایران با تاکید بر مدیریت مؤثر بانک مرکزی در شرایط بحرانی گفت: در شرایط جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اخیر که کشور با چالش‌های گسترده‌ای مواجه شد، عملکرد بانک مرکزی در مدیریت فضای پولی و مالی فراتر از انتظار فعالان اقتصادی بود. برخلاف پیش‌بینی‌ها مبنی بر نوسان قابل توجه در بازارها و افزایش نرخ ارز مشابه اتفاقات بورس و همچنین باوجود حمله‌های سایبری و خبرسازی گسترده هک سامانه‌های بانکی، خدمات پولی و بانکی توانست به نحو مطلوبی ادامه یابد و مردم و فعالان اقتصادی توانستند کارهای خود را پیش ببرند.

وی افزود: هرچند دو بانک ما به‌ویژه بانک سپه دچار مشکلات شدند که انتظار عمومی این بود که با این عوارض اخلال در برخی شعب بانکی گسترده‌تر شود، اما مدیریت بانک مرکزی اجازه نداد پیوستگی و پایداری شبکه بانکی از بین برود.

این فعال اقتصادی به حضور میدانی رئیس کل بانک مرکزی در روزهای ابتدایی جنگ ۱۲ روزه و بازدید از شعب بانک‌ها اشاره کرد و گفت: این موضوع نقش مؤثری در حفظ آرامش و تداوم فعالیت‌های اقتصادی داشت و انتظار می‌رود این نوع عملکرد میدانی باز هم توسعه یابد.

آل‌رسول در خصوص تأمین ارز در جنگ ۱۲ روزه خاطرنشان کرد: دولت و بانک مرکزی در تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو عملکرد موفقی داشت و توانست تأمین مالی لازم را به خوبی انجام دهد. با این حال، صنایع زیرساختی دیگر هم نیازمند تأمین ارز هستند که باید در دستور کار قرار گیرد.

وی ادامه داد: با وجود کسری بودجه دولت و انتظار مواجهه با بحران‌های جدید، عملکرد مثبت بانک مرکزی توانست آرامش روانی را به فضای اقتصادی بازگرداند. ضمن اینکه بخش قابل توجهی از منابع نیز صرف بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده و تقویت حوزه‌های نظامی خواهد شد.

نایب رئیس کمیسیون خدمات فنی مهندسی و صنعت احداث اتاق بازرگانی ایران اظهار داشت: دوره جنگ، دوره‌ای سخت بود که آرامش روانی مردم را تحت تأثیر قرار داد، اما بلوغ و ویژگی خاص مردم ایران در حفظ اعتماد به حکمرانی، دولت و شبکه بانکی قابل تقدیر است. این همدلی و اعتماد مسئولیت سیستم حکمرانی را سنگین‌تر می‌کند تا نیازهای اساسی مردم را به بهترین نحو تأمین و از کسب‌وکارهای خرد و متوسط حمایت کند. امیدوارم این همدلی به نیروی محرکه‌ای برای توسعه و پیشرفت کشور تبدیل شود و چرخ اقتصاد بهتر از گذشته بچرخد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ ■ سال اول ■ شماره ۲۲۷

اخبار

اسرائیل جنگ غزه را چگونه به «اقتصاد نسل‌کشی» سودآور تبدیل کرد؟

تجاوز نظامی به نوار غزه نه فقط فاجعه‌ای انسانی را رقم زده، بلکه به بستری سودآور برای شرکت‌های تسلیحاتی، فناوری و نهادهای مالی جهانی بدل شده است؛ جنگی که به نام امنیت، در عمل به پروژه‌ای اقتصادی با مشارکت صدها شرکت و بانک بزرگ بین‌المللی تبدیل شده و اکنون در گزارش رسمی سازمان ملل با عنوان «اقتصاد نسل‌کشی» افشا شده است.

نوار غزه، نمونه‌ای حی و حاضر است از اینکه چگونه یک جنگ می‌تواند تحت پوشش «امنیت ملی» یا «حق دفاع از خود» به پروژه‌ای تجاری و سودآور تبدیل شود.

از آغاز تجاوز به این منطقه، شاخص‌های بورس صعود کردند، قراردادهای فناوری چند برابر شدند و شرکت‌های اسلحه‌سازی و فناوری سودهای بی‌سابقه‌ای به دست آوردند. آنچه در نوار غزه به عنوان جهنم انسانی رخ داد، در نگاه برخی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران فرصتی طلایی برای افزایش سود بود.

در همین راستا، گزارش اخیر سازمان ملل تصویری تاریک از این ماجرا ارائه کرده است؛ ماشینی جمعی برای نسل‌کشی که با دقت عمل می‌کند و توسط شبکه‌های مالی بین‌المللی، شرکت‌های فناوری و اسلحه، بانک‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها تغذیه می‌شود که همه در تبدیل این فاجعه به سود سهیم‌اند. این گزارش با عنوان «از اقتصاد اشغال تا اقتصاد نسل‌کشی» توسط فرانچسکا آلبانیزی، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در سرزمین‌های فلسطینی، تهیه و به شورای حقوق بشر در جلسه ۵۹ سال ۲۰۲۵ ارائه شده است.

براساس پایگاه داده‌ای شامل بیش از ۲۰۰ گزارش مستند، بیش از ۱۰۰۰ شرکت جهانی در حمایت از اشغالگری، شهرک‌سازی و به‌ویژه تجهیز و توانمندسازی ماشین جنگ اسرائیل علیه فلسطینیان، به‌ویژه در غزه نقش دارند. آلبانیزی توضیح می‌دهد که این شرکت‌ها فقط به حمایت غیرمستقیم اکتفا نکرده‌اند، بلکه به بخشی از ساختار اقتصادی و نظامی اشغال تبدیل شده‌اند؛ از طریق تأمین مالی، فناوری، بازاریابی و حتی پوشش‌های دانشگاهی و رسانه‌ای. گزارش ۳۹ صفحه‌ای به دقت روند انتقال اقتصاد اسرائیل از «اقتصاد اشغال» سنتی به مدل سرمایه‌داری استعماری نژادپرستانه را رصد می‌کند، جایی که جنگ به منبع درآمد تبدیل شده و آوارگی و تخریب به ابزارهای سرمایه‌گذاری سودآور بدل شده‌اند. آلبانیزی تاکید می‌کند که شرکت‌هایی که قرار بود بی‌طرف باشند، از جمله مؤسسات دانشگاهی و بانک‌های بین‌المللی، به بازیگران اصلی پروژه نسل‌کشی تبدیل شده‌اند و این امر نیازمند پاسخگویی و مسؤولیت حقوقی بین‌المللی است.

شرکت‌های فناوری بزرگ؛ شریکان جنگ غزه

یکی از محوری‌ترین بخش‌های گزارش به نقش شرکت‌های بزرگ فناوری مانند گوگل (آلفابت)، آمازون، مایکروسافت، بالانتیر، آی‌بی‌ام (IBM)، اچ‌پی (HP) و ان‌اس‌او (NSO) اختصاص یافته است. این شرکت‌ها سیستم‌های هوش مصنوعی، رایانش ابری و ابزارهای پیشرفته نظارت را در اختیار اسرائیل قرار داده‌اند که به مدیریت حملات بر غزه و تعیین اهداف با دقت بالا، از جمله هدف‌گیری غیرنظامیان کمک کرده است. همچنین گزارش از قرارداد «نیمبوس» گوگل و آمازون با دولت اسرائیل در سال ۲۰۲۱ به ارزش ۱.۲ میلیارد دلار خبر می‌دهد که زیرساخت دیجیتال پیشرفته‌ای فراهم کرد و پس از اختلال شبکه نظامی در اکتبر ۲۰۲۳ به طور گسترده‌ای استفاده شد.

شرکت‌های اسلحه‌سازی نیز در قلب «اقتصاد نسل‌کشی» سودهای کلانی کسب کرده‌اند. شرکت‌های «ال‌بیت سیستمز» و صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) با افزایش ۶۵ درصدی بودجه نظامی اسرائیل تا ۴۶.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴، سود قابل توجهی کسب کردند. همچنین شرکت‌های بین‌المللی اسلحه‌سازی مانند لاکهید مارتین، لئوناردو ایتالیا، هیوندای صنایع سنگین و کاترپیلار آمریکا از تقاضای فزاینده تجهیزات جنگی بهره برده‌اند، به‌ویژه پس از استفاده گسترده از جنگنده‌های «اف-۳۵» در تجاوز ۲۰۲۵ که منجر به رهاسازی ۸۵ هزار تن بمب بر غزه و کشته و زخمی شدن بیش از ۱۷۹ هزار نفر شد.

حمایت مالی «وال‌استریت» از تجاوز به غزه

گزارش به نقش نهادهای مالی جهانی در تأمین مالی اقتصاد جنگ اسرائیل نیز اشاره ویژه دارد. با وجود کشتارها، سرمایه‌گذاری صندوق ثروت ملی نروژ در شرکت‌های اسرائیلی ۳۲ درصد افزایش یافت و به ۱.۹ میلیارد دلار رسید. همچنین اسرائیل پس از اکتبر ۲۰۲۳، اوراق قرضه دولتی به ارزش ۱۳ میلیارد دلار منتشر کرد که بانک‌های بزرگی مانند بارکلیز و BNP پاریبا در تأمین مالی آن مشارکت داشتند. شرکت‌های مدیریت دارایی همچون بلک راک، ونگارد و آلیانز نیز صدها میلیون دلار این اوراق را خریدند که باعث افزایش بی‌سابقه قیمت سهام در بورس تل‌آویو و کسب سود بیش از ۱۵۷ میلیارد دلار شد.

گزارش آلبانیزی همچنین به نقش شرکت‌های ماشین‌آلات سنگین مانند کاترپیلار اشاره می‌کند که بولدوزرهای نظامی مدل D۹ را تأمین کرد که در تخریب بیمارستان‌ها و دفن زنده مجروحان استفاده شده است. شرکت‌های فولکس‌واگن سوئد و هیوندای کره‌ای نیز تجهیزات سنگین را فراهم کرده‌اند که به نابودی بیش از ۷۰ درصد ساختمان‌های غزه و ۹۵ درصد زمین‌های کشاورزی آن منجر شده است. حتی منابع آب نیز از سودجویی در امان نبوده‌اند؛ اسرائیل انحصار آب را در اختیار دارد و شرکت «میکوروت» آب را به فلسطینی‌ها با قیمت‌های گزاف می‌فروشد، در حالی که ۹۷ درصد منابع آب زیرزمینی غزه به دلیل تخریب زیرساخت‌ها پس از تجاوز قابل شرب نیستند. این استفاده سیستماتیک از آب به عنوان یک سلاح نسل‌کشی ارزیابی شده است.

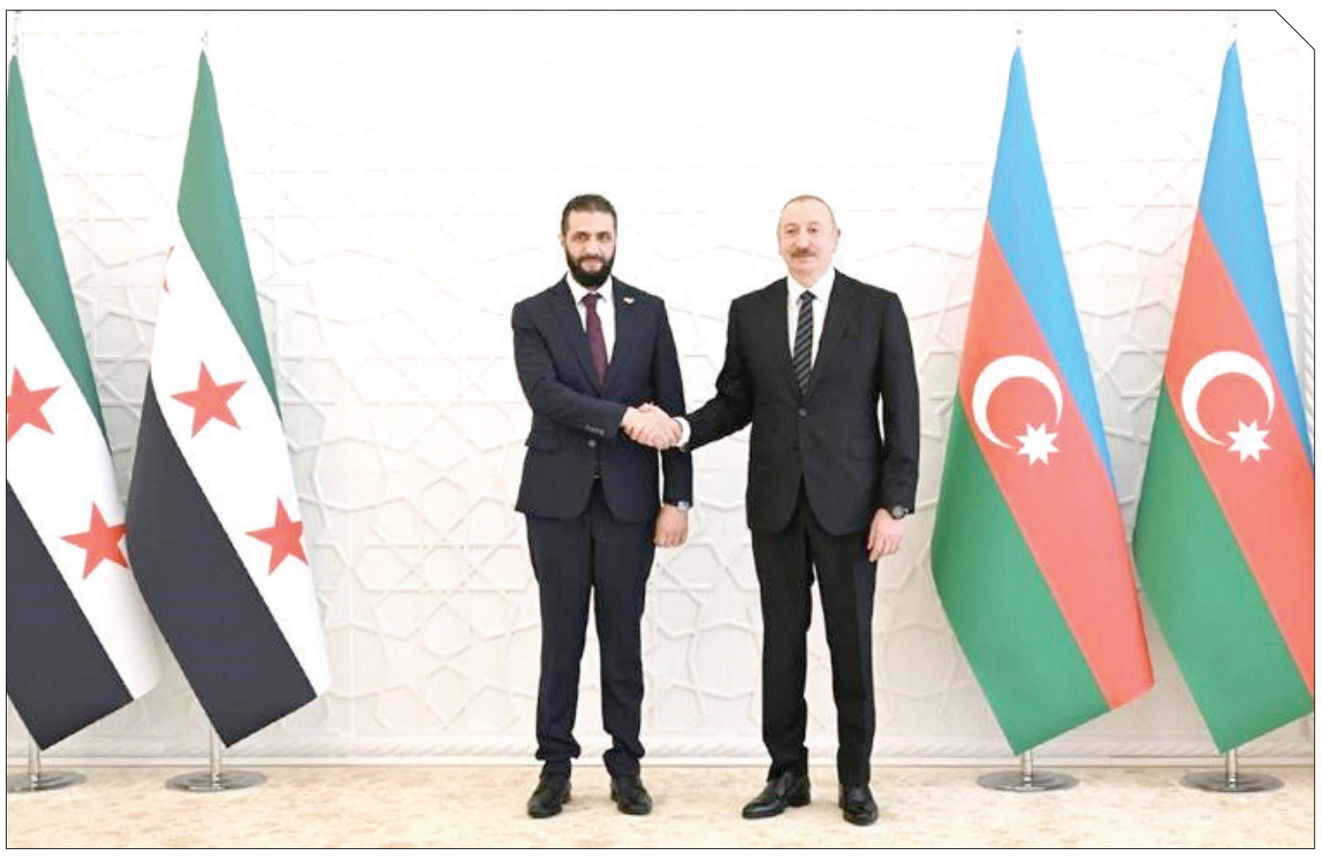

روابط سوریه و آذربایجان؛ پلی برای عبور انرژی به اسرائیل یا نجات بحران برق دمشق؟

گزارش

سفر اخیر رئیس دولت انتقالی سوریه به باکو، فقط یک تحول دیپلماتیک ساده نبود، بلکه نشانه‌ای از چرخش راهبردی در سیاست خارجی دمشق است؛ چرخشی که با نشانه‌های آشکاری از نزدیکی به اسرائیل، همکاری انرژی‌محور با آذربایجان و حمایت مستقیم ترکیه، چشم‌اندازی پیچیده و چندلایه از بازی‌های ژئوپلیتیکی را رقم زده است.

رئیس دولت انتقالی سوریه، احمد الشرع، در سفر اخیر خود به جمهوری آذربایجان، ضمن گذاشتن گل بر مزار حیدر علی‌اف، بنیان‌گذار جمهوری آذربایجان و انحنای احترام‌آمیز در برابر تمثال وی، الگویی کاملاً متفاوت از سیاست‌های دولت بشار اسد در قبال منطقه ارائه داد. این اقدام نمادین، پاسخی آشکار به گرایش‌های پیشین دمشق بود که در مناقشه قره‌باغ جانب ارمنستان را گرفته بود. نزدیکی کنونی سوریه به آذربایجان، بی‌تردید ناشی از اتحاد گسترده‌تر با ترکیه است؛ متحد کلیدی جدید دمشق که نقش محوری در سیاست‌های دولت انتقالی ایفا می‌کند.

همزمان با این تغییر جهت استراتژیک، گمانه‌زنی‌های گسترده‌ای درباره مذاکرات احتمالی میان مقامات سوریه و اسرائیل در باکو منتشر شده است. روزنامه اسرائیلی «هآرتص» از برگزاری دیداری امنیتی میان نمایندگان دو کشور خبر داده که موضوعاتی از قبیل تهدیدات ایران، حزب‌الله و تنش با گروه‌های فلسطینی فعال در سوریه را شامل می‌شده است. هرچند احمد الشرع این دیدارها را از طریق منابع سیاسی و دیپلماتیک انکار کرده اما شایعاتی درباره تأسیس دفتر هماهنگی اسرائیلی در دمشق، بدون حضور رسمی دیپلماتیک یا نصب پرچم، در حال گسترش است. این رویکرد مشابه مدل برخی کشورهای خلیج فارس است که با وجود روابط پنهان با اسرائیل، پرچم آن را به رسمیت نمی‌شناسند.

از سوی دیگر، رسانه‌های اسرائیلی از برنامه‌ریزی دیدار قریب‌الوقوع میان احمد الشرع و نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو در واشنگتن، پیش از نشست مجمع عمومی سازمان ملل خبر داده‌اند. این اخبار در کنار اظهارات منابع فرانسوی درباره ملاقات مستقیم سوری‌ها و اسرائیلی‌ها در باکو، نشانگر تحولات پیچیده‌ای در روابط منطقه‌ای است که رژیم انتقالی سوریه آنها را دنبال می‌کند.

در حالی که گروه‌های افراطی تحت رهبری ابومحمد الجولانی در سوریه بسیاری از نمادهای تاریخی و فرهنگی را تخریب می‌کنند، احمد الشرع رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کرده و در تعارض آشکار با تفکر سلفی حاکم بر دمشق، احترام خود را به مؤسس آذربایجان ابراز داشته است. این تناقض بین خط مشی سیاسی دولت انتقالی و اعتقادات مذهبی گروه‌های حاکم، پیچیدگی‌های داخلی این حکومت تازه را نمایان می‌کند.

از منظر اقتصادی، قرارداد مهمی با شرکت انرژی «سوکار» آذربایجان به امضا رسیده تا واردات گاز طبیعی به سوریه آغاز شود. حضور وزیر انرژی محمد البشیر در این سفر و اعلام اهمیت حمایت آذربایجان در حل بحران انرژی، وعده‌ای است که در پس آن اهداف سیاسی و استراتژیک نیز پنهان است. احمد الشرع به صراحت اذعان کرده که سیاست‌های دولت اسد به روابط سوریه با آذربایجان و دیگر کشورها آسیب جدی زده و اکنون باید این شکاف جبران شود. رئیس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف نیز تاکید کرده که همکاری‌های دوجانبه پس از به قدرت رسیدن دولت جدید سوریه گسترش یافته و آمادگی حمایت گسترده در حوزه انرژی را دارند.

با این حال، واقعیت‌های عینی در سوریه کاملاً متفاوت است. بحران انرژی که از سال ۲۰۱۱ و با آغاز جنگ داخلی آغاز شده، هنوز به قوت خود باقی است و دسترسی به برق در کشور با کمبود حدود ۸۰ درصدی مواجه است. این وضعیت بحرانی که بیش از ۱۴ سال ادامه داشته، نتیجه تخریب زیرساخت‌ها، تحریم‌های اقتصادی و ناکارآمدی مدیریتی است. پیش از شروع جنگ، سوریه با تولید سالانه حدود ۴۹ میلیارد کیلووات‌ساعت برق و پوشش شبکه برق بیش از ۹۹ درصد کشور، وضعیت قابل قبولی داشت که اکنون به کلی فروپاشیده است.

با توجه به این زیرساخت آسیب‌دیده، صرف واردات گاز طبیعی از آذربایجان هرگز نمی‌تواند مشکل انرژی سوریه را به طور اساسی حل کند، زیرا نیاز به بازسازی گسترده نیروگاه‌ها، خطوط انتقال و شبکه توزیع برق وجود دارد؛ امری که هزینه‌بر و زمان‌بر است و احتمالاً خارج از توان مالی و فنی حکومت انتقالی و متحدانش است.

نکته مهم و پیچیده‌تر در این میان نقش اسرائیل است. آذربایجان که یکی از تامین‌کنندگان نفت و گاز برای اسرائیل محسوب می‌شود، تلاش می‌کند تا روابط خود با سوریه را بهبود بخشد تا بتواند از مسیر سوریه که در موقعیت جغرافیایی کلیدی در منطقه قرار دارد، جریان انرژی خود را به شکل موثرتری به اسرائیل و بازارهای بین‌المللی منتقل کند. این موضوع به اسرائیل امکان می‌دهد وابستگی به مسیرهای انرژی سنتی را کاهش داده و در عین حال بر تحولات ژئوپلیتیک منطقه نفوذ بیشتری داشته باشد.

درواقع، تلاش برای بهبود روابط سوریه و آذربایجان فقط به منظور رفع بحران انرژی دمشق نیست، بلکه یک بازی راهبردی برای اسرائیل است تا از موقعیت جغرافیایی سوریه بهره‌برداری کند و مسیرهای جدید انتقال انرژی را در منطقه شکل دهد. این امر می‌تواند تحریم‌ها و موانع سیاسی را دور زده و موجب تحکیم نفوذ اسرائیل در جنوب غرب آسیا شود؛ بنابراین اسرائیل از این روابط بهره‌برداری اقتصادی و سیاسی می‌کند که درنهایت شاید به زیان منافع بلندمدت مردم سوریه تمام شود.

از سوی دیگر، نزدیکی سیاسی دمشق به اسرائیل و گسترش مذاکرات پنهانی، نشانگر آن است که مسئله انرژی فقط یک بهانه است و اهداف اصلی فراتر از صرف تأمین برق و گاز برای مردم سوریه قرار دارد. این تحولات، همراه با حمایت ترکیه و موقعیت ویژه آذربایجان در تأمین انرژی اسرائیل، چشم‌انداز پیچیده و چندلایه‌ای را شکل می‌دهد که احتمالاً بیش‌تر به نفع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است تا مردم سوریه. درنهایت، هرچند دولت انتقالی سوریه تلاش می‌کند با بهره‌گیری از حمایت آذربایجان و ترکیه بحران انرژی را به عنوان یکی از اولویت‌های خود مطرح کند اما چشم‌انداز واقعی بازسازی و بهبود وضعیت در سایه تحولات سیاسی پیچیده، محدودیت‌های مالی و اجتماعی و مخالفت‌های داخلی ایدئولوژیک بسیار مبهم و نامطمئن باقی مانده است. این روند بیش‌تر حکایت از یک بازی سیاسی منطقه‌ای دارد که به احتمال زیاد مردم سوریه را از معضلات واقعی خود دور نگاه خواهد داشت.

با توجه به این زیرساخت آسیب‌دیده، صرف واردات گاز طبیعی از آذربایجان هرگز نمی‌تواند مشکل انرژی سوریه را به طور اساسی حل کند، زیرا نیاز به بازسازی گسترده نیروگاه‌ها، خطوط انتقال و شبکه توزیع برق وجود دارد؛ امری که هزینه‌بر و زمان‌بر است و احتمالاً خارج از توان مالی و فنی حکومت انتقالی و متحدانش است

اتحادیه اروپا و کره جنوبی در تلاش برای جلوگیری از تعرفه‌های جدید آمریکا

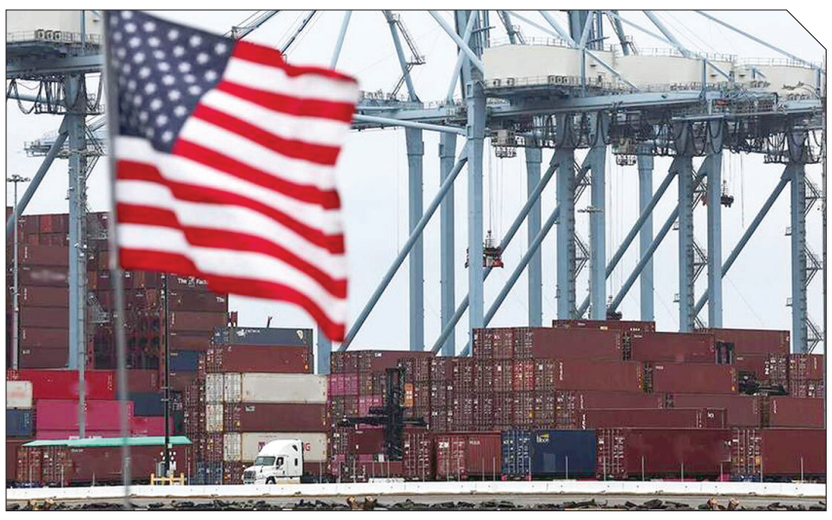

در پی تهدید ایالات متحده به اعمال تعرفه ۳۰ درصدی بر واردات از اتحادیه اروپا و مکزیک، بروکسل و سئول در تلاش‌اند با دستیابی به توافق‌های تجاری دوجانبه، از تبعات این سیاست تجاری جدید جلوگیری کنند؛ سیاستی که در صورت اجرا، می‌تواند منجر به اختلالی بی‌سابقه در روابط اقتصادی فراآتلانتیک و آسیایی شود.

در پی تهدید ایالات متحده به اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات از ابتدای ماه اوت، اتحادیه اروپا و کره جنوبی اعلام کردند که در حال مذاکره با دولت واشنگتن به ریاست جمهوری دونالد ترامپ هستند تا از پیامدهای منفی این تصمیم جلوگیری کنند.

ترامپ روز شنبه اعلام کرد که از ماه آینده، بر بخش عمده‌ای از واردات از اتحادیه اروپا و مکزیک تعرفه‌ای ۳۰ درصدی وضع خواهد کرد؛ اقدامی که در راستای تشدید فشارهای تجاری و با هدف بازنگری در توافقات موجود صورت می‌گیرد. تهدیدهایی مشابه نیز علیه اقتصادهای آسیایی از جمله ژاپن و کره جنوبی مطرح شده است.

ماروش شفچوویچ، کمیسر تجارت اتحادیه اروپا، روز دوشنبه در نشست وزرای تجارت کشورهای عضو در بروکسل هشدار داد که اعمال چنین تعرفه‌هایی می‌تواند به توقف تقریباً کامل روابط تجاری میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا منجر شود. این در حالی است که آمریکا و اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شرکای تجاری یکدیگر محسوب می‌شوند.

با این حال، شفچوویچ نسبت به نتایج مذاکرات جاری ابراز خوش‌بینی کرد و گفت: «تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تحقق این سناریوی بسیار منفی به کار خواهم گرفت.»

در همین زمینه، کوین هَسِت، مشاور اقتصادی کاخ سفید، در گفت‌وگویی تلویزیونی اظهار داشت که پیشنهادهای ارائه‌شده از سوی شرکای تجاری آمریکا تاکنون رضایت رئیس‌جمهور را جلب نکرده است. وی تصریح کرد که در صورت عدم بهبود قابل توجه در مفاد این پیشنهادها، اجرای تعرفه‌ها قطعی خواهد بود.

وی در گفت‌وگو با برنامه This Week شبکه ABC افزود: «رئیس‌جمهور معتقد است که توافق‌ها باید به‌طور اساسی تقویت شوند. او با ارسال نامه‌هایی به طرف‌های مختلف، موضع خود را به‌صراحت اعلام کرده و منتظر واکنش آن‌هاست.»

این موضع‌گیری‌ها با واکنش جدی مقامات آلمان، به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اتحادیه اروپا، مواجه شد. صدر اعظم آلمان، فریدریش مِرتس، هشدار داد که اعمال تعرفه ۳۰ درصدی «می‌تواند ستون فقرات صنعت صادراتی آلمان را هدف قرار دهد».

در همین حال، رئیس اتاق صنایع و بازرگانی آلمان، فولکر تراير، نسبت به پیامدهای چنین سیاستی هشدار داد و خواستار آغاز سریع مذاکرات جدی شد: «افزایش تنش‌های تجاری با ایالات متحده تهدیدی ملموس برای بسیاری از شرکت‌های آلمانی است. تنها از طریق مذاکرات هدفمند و مؤثر می‌توان از فروپاشی احتمالی روابط تجاری فراآتلانتیک جلوگیری کرد.»

در حالی که اتحادیه اروپا تاکنون از اقدامات تلافی جویانه خودداری کرده تا از ورود به چرخهٔ مخربِ مقابله‌به‌مثل در جنگ تجاری جلوگیری کند، آنتونیو تاجانی، وزیر امور خارجه ایتالیا، اعلام کرد که در صورت شکست مذاکرات، بروکسل آماده اجرای فهرستی از تعرفه‌های تلافی جویانه به ارزش ۲۱ میلیارد یورو (معادل ۲۴.۵ میلیارد دلار) بر کالاهای آمریکایی است.

هم‌زمان، صنایع اروپایی نیز خود را برای مواجهه با سناریوی تشدید تنش‌ها آماده می‌کنند. تولیدکنندگان شراب کیانتی در منطقه توسکانی ایتالیا از اتحادیه اروپا خواسته‌اند راهبرد صادراتی جدیدی تدوین کند تا بتوان بازارهای جایگزینی در آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا هدف قرار داد.

بازارها در وضعیت انتظار

از زمان بازگشت ترامپ به کاخ سفید در ابتدای سال جاری، دولت او بار دیگر به استفاده از ابزار تعرفه‌ها به‌عنوان ابزاری برای حمایت از صنایع داخلی، بازگشت سرمایه به داخل و تقویت تولید داخلی روی آورده است.

اعلام نخستین مرحله از این سیاست‌ها تحت عنوان «روز رهایی» در ماه آوریل که در آن تعرفه پایه ۱۰ درصدی بر تمام واردات وضع شد و تعرفه‌های بالاتری نیز برای برخی کالاها و کشورها در نظر گرفته شده بود، نگرانی‌هایی جدی در خصوص اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی ایجاد کرد و باعث افت شاخص‌ها در بازارهای مالی شد.

با این حال، تغییرات مکرر در رویکرد دولت آمریکا از جمله تعویق ۹۰ روزه در اجرای برخی تعرفه‌ها به‌منظور فراهم‌کردن فضای مذاکره، باعث شده بازارها تا حدودی در برابر تحولات پرنوسان سیاست تجاری واشنگتن مقاوم‌تر شوند.

با وجود این، روز دوشنبه بازارهای مالی اروپا با افت مواجه شدند و شاخص‌های آتی در وال‌استریت نیز کاهش یافتند. شرکت‌های فعال در حوزه خودروسازی و تولید مشروبات الکلی از جمله صنایعی بودند که بیشترین آسیب را از فضای کنونی دیدند.

تلاش برای دستیابی به توافق تجاری

ضرب‌الاجل اول اوت، به رقابتی فشرده میان دولت‌ها برای دستیابی به توافق‌های دوجانبه با ایالات متحده منجر شده است. در این میان، کره جنوبی نیز اعلام کرده که امکان حصول توافق اولیه تا پیش از مهلت اعلام‌شده وجود دارد. به گزارش رسانه‌های محلی، سئول ممکن است برای تسهیل روند توافق، آمادگی خود را برای اعطای دسترسی بیشتر به بازار کشاورزی این کشور به ایالات متحده اعلام کند.

یئوهان کو، وزیر تجارت کره جنوبی که اخیراً مذاکراتی سطح بالا با مقامات آمریکایی داشته، تصریح کرد که کشورش در تلاش است از اعمال تعرفه‌های «ناعادلانه» بر بخش‌های کلیدی اقتصاد خود که برای همکاری راهبردی با آمریکا اهمیت بالایی دارند، جلوگیری کند.

وی در گفت‌وگو با رسانه‌های داخلی اظهار داشت: «به باور من، امکان دستیابی به یک توافق اصولی در مذاکرات تعرفه‌ای وجود دارد و در ادامه می‌توان زمان بیشتری برای تکمیل جزئیات آن اختصاص داد.»

وی افزود: «بیست روز برای تنظیم توافق‌نامه‌ای جامع که همه ابعاد را پوشش دهد، کافی نیست.»

کره جنوبی امیدوار است با دستیابی به توافقی سازنده، از اعمال تعرفه ۲۵ درصدی بر صادرات خود، مشابه آنچه بر کالاهای ژاپنی اعمال شده، جلوگیری کند.

افزایش بی‌سابقه بیکاری نیروهای متخصص در صنعت فناوری اسرائیل

در حالی که رژیم اسرائیل تلاش می‌کند صنعت فناوری خود را به عنوان نماد پیشرفت و نوآوری جهانی معرفی کند، آمارهای رسمی و شواهد میدانی نشان می‌دهد این تصویر بیش از آن‌که واقعیت باشد، پوششی برای بحران عمیق و ساختاری در بازار کار است. در حالی که ساختارهای تبلیغاتی اسرائیل سعی دارند چهره‌ای باثبات و پیشرو از صنعت فناوری این رژیم ارائه دهند، واقعیت آماری و میدانی نشان می‌دهد که پشت این تصویر براق، روندی خزنده و بحران‌آفرین در جریان است؛ روندی که در آن صدها و هزاران نیرو کار، قربانی تغییرات ساختاری ناعادلانه، تصمیم‌گیری‌های منفعت‌طلبانه و بی‌توجهی به نیروی انسانی می‌شوند. به گزارش منابع رسمی، شمار جویندگان کار در بخش فناوری اسرائیل در ماه آوریل به نزدیک ۱۵ هزار نفر رسیده است؛ بیش از دو برابر سال ۲۰۱۹ و ۲۱ درصد بیشتر از دوره پیش از جنگ «شمشیرهای آهنین»؛ اما علی‌رغم این رشد نگران‌کننده در بیکاری، رسانه‌های اسرائیلی همچنان از رشد، استخدام و پویایی صحبت می‌کنند؛ پویایی‌ای که عملاً شامل نیروهای جوان، ارزان‌قیمت و انعطاف‌پذیر می‌شود و نسل کارآزموده را به حاشیه می‌راند. درواقع آنچه در حال وقوع است، نوعی «تصفیه آرام» در بازار کار فناوری است: نیروهای میان‌سال با سابقه کاری بالا که زمانی رکن توسعه و نوآوری این صنعت بودند، اکنون به‌دلیل تغییرات سیاسی، سرمایه‌داری افسارگسیخته و بحران‌های ساختاری، عملاً از بازار کار اخراج می‌شوند. حذف تدریجی این قشر، نه در قالب اخراج‌های گسترده بلکه در لباسی پنهان‌شده در قالب «تعدیل ساختاری» و «بازسازی سازمانی» انجام می‌شود. در نگاه نخست، نسبت بالای فرصت‌های شغلی به جویندگان کار ممکن است نشان‌دهنده رونق بازار باشد؛ اما این یک توهم آماری است. بخش زیادی از این آگهی‌های شغلی ساختگی، نمایشی یا دارای شرایط غیرواقع‌بینانه و تخصص‌های بسیار محدود و خاص‌اند، به‌گونه‌ای که اکثریت متخصصان موجود عملاً صلاحیت ورود به آن‌ها را ندارند. این سیاست، عملاً زمینه حذف سیستماتیک نسل باتجربه را فراهم کرده است.

در برابر این وضعیت، برخی نهادهای خصوصی سعی دارند تصویر خوش‌بینانه‌تری ارائه دهند؛ اما حتی در روایت این شرکت‌ها نیز به کمبود شدید نیرو در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، سخت‌افزار و زیرساخت اشاره می‌شود. با این حال، به‌جای بهره‌گیری از سرمایه انسانی داخلی، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند به سراغ نیروی ارزان‌تر یا خارجی بروند - یا منابع را صرف پروژه‌های نظامی و امنیتی کنند که در راستای سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم است.

این وضعیت، نه‌تنها بحران اقتصادی، بلکه شکاف اجتماعی و بی‌ثباتی درونی را تشدید می‌کند؛ چراکه طبقه‌ای از متخصصان باتجربه که زمانی از ارکان توسعه فناوری اسرائیل بودند، اکنون بدون چشم‌انداز شغلی و با ناامیدی از سیستم، از گردونه تولید خارج شده‌اند. برخلاف تصویر ساختگی‌ای که رسانه‌های اسرائیلی از رشد پایدار ارائه می‌دهند، صنعت فناوری در این رژیم درگیر روندی تخریبی است که پیامدهای آن به‌زودی در ناکارآمدی، فرار مغزها و بی‌ثباتی اجتماعی آشکار خواهد شد.

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۴ ■ ۲۰ محرم ۱۴۴۷ ■ ۱۶ July ۲۰۲۵ ■ سال اول ■ شماره ۲۲۷

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

مدیر مسئول: مهدی مهرپور

چاپخانه: صمیم ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۰۶۹
کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶

Charsogh newspaper.com

اخبار

عراقچی: سازمان شانگهای به زودی از عرصه منطقه‌ای فراتر می‌رود

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت: سازمان همکاری‌های شانگهای به تدریج جای خود را در عرصه جهانی بیشتر باز می‌کند و از عرصه منطقه‌ای فراتر می‌رود. به گزارش ایرنا، سید عباس عراقچی روز سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴ در بدو ورود به چین افزود: سفر من به چین به منظور شرکت در بیست و پنجمین اجلاس وزیران امور خارجه سازمان همکاری‌های شانگهای صورت گرفته که فردا (چهارشنبه) در شهر تیانجین و به میزبانی چین برگزاری می‌شود.
وی ادامه داد: سازمان همکاری‌های شانگهای به تدریج جای خود را در عرصه جهانی بیشتر باز می‌کند، یعنی از عرصه منطقه‌ای هم به تدریج فراتر می‌رود، موضوعات بسیار مختلفی را هم در جنبه اقتصادی و هم در جنبه سیاسی و امنیتی در دستور کار دارد. عراقچی گفت: در این اجلاس، استراتژی توسعه سازمان و کشورهای این سازمان در حوزه انرژی و تجارت و نیز حوزه‌های دیگر نهایی خواهد شد و بحث‌های بین‌المللی روز نیز طبعاً صورت خواهد گرفت.
وی تصریح کرد: به طور طبیعی در حاشیه اجلاس نیز فرصت ملاقات‌های دوجانبه وجود دارد. با وزیران امور خارجه چین و روسیه ملاقات دوجانبه خواهم داشت که طبعاً در شرایط حاضر اهمیت خاص خود را دارد. همچنین با بقیه اعضای سازمان شانگهای ملاقات‌هایی را درخصوص روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای خواهم داشت. وزیر امور خارجه همچنین با اشاره به تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به جمهوری اسلامی ایران گفت: تقریبا همه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و بیش از ۱۲۰ کشور این اقدام و نیز حمله به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را محکوم و با جمهوری اسلامی ایران ابراز همبستگی و حمایت کردند. عراقچی افزود: سازمان همکاری شانگهای نیز در این باره بیانیه صادر کرد که قابل قدردانی است. فردا هم در مباحثی که خواهم داشت بخصوص در مباحث عمومی این موضوع مطرح خواهد شد و در نطقی که خواهم داشت به طور مفصل به این موضوع خواهم پرداخت. به گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران صبح دوشنبه ۲۳ تیرماه در صدر هیاتی تهران را به مقصد چین ترک کرد. عراقچی در این سفر ضمن شرکت و سخنرانی در اجلاس وزرای سازمان همکاری شانگهای، با وزیر امور خارجه چین و تعداد دیگری از وزرای امور خارجه شرکت‌کننده در این اجلاس گفت‌وگو و تبادل نظر خواهد کرد.

شفافیت‌گریزی در بازار آنلاین طلا

گزارش

پلتفرم‌هایی که از اجرای مقررات بانک مرکزی امتناع می‌کنند، نه‌تنها دارایی کاربران را به خطر انداخته‌اند، بلکه به گفته نهادهای ناظر، زمینه‌ساز کلاهبرداری و بحران اعتماد در بازار طلا شده‌اند.
در هفته‌های اخیر، هم‌زمان با حمله اسراییل و آمریکا به خاک کشورمان و جنگ ۱۲ روزه، برخی سکوهای فروش آن‌لاین طلا با مسدودیت درگاه‌های پرداخت خود مواجه شدند؛ اقدامی که به‌دستور نهادهای نظارتی و ابلاغیه رسمی به بانک مرکزی صورت گرفت.
حالا و با گذشت بیش از ۱۰ روز از پایان جنگ، درگاه‌های برخی از این سکوها همچنان غیرفعال باقی مانده‌اند؛ چراکه بانک مرکزی بازگشایی مجدد آن‌ها را منوط به اجرای پنج شرط مشخص قانونی و نظارتی کرده است، با این حال، برخی از این سکوها، آشکارا اعلام کرده‌اند که این شروط را نمی‌پذیرند؛ و همین مقاومت نگران‌کننده، خطر کلاهبرداری، سرقت دارایی‌های مردم و حتی پولشویی را به سطحی جدی رسانده است.
بانک مرکزی و سایر نهادهای ذی‌ربط، در بررسی فعالیت برخی سکوهای آن‌لاین طلا، به تخلفات مهمی برخورد کردند؛ از جمله:
فروش طلا بدون ذخیره‌سازی واقعی
عدم ثبت معاملات در سامانه جامع تجارت
نبود شفافیت میان کیف‌پول‌های کاربران و حساب‌های بانکی سکوها
عدم پاسخگویی شفاف در قبال واریز و برداشت کاربران،
در پی این وضعیت، بانک مرکزی با همکاری دادستانی کل کشور، پلیس فتا، پلیس امنیت اقتصادی و بانک کارگشایی، اقدام به تدوین دستورالعملی مشخص کرد و طی نامه‌ای رسمی، شروط لازم برای بازگشایی درگاه پرداخت سکوهای فروش طلا را به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صمت ابلاغ کرد.

شروط پنج‌گانه بانک مرکزی برای بازگشایی درگاه پرداخت

ذخیره‌سازی واقعی طلا نزد بانک کارگشایی: سکوها موظف‌اند طلای فروخته‌شده به کاربران را به‌صورت لحظه‌ای نزد بانک کارگشایی ذخیره کنند و طی سه ماه، آن را به شمش طلای استاندارد با عیار ۹۹۵ تبدیل نمایند.
احراز کیف‌پول کاربران با بانک عامل: باید رابطه یک‌به‌یک بین کیف‌پول کاربران و حساب بانکی سکو نزد یک بانک عامل معتبر برقرار شود.
ثبت کلیه معاملات در سامانه جامع تجارت وزارت صمت: هیچ معامله‌ای نباید خارج از این سامانه انجام شود.
تسویه تعهدات ریالی در حداکثر ۴۸ ساعت کاری: حقوق کاربران نباید بیش از این بازه زمانی معطل بماند.
دریافت تأییدیه امنیتی از پلیس فتا: سکوها باید الزامات امنیتی را به‌طور کامل رعایت کنند.
بانک مرکزی تأکید کرده است تنها پس از تأیید این موارد از سوی پلیس فراجا، بانک کارگشایی و اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی، اجازه بازگشایی درگاه داده خواهد شد.

واکنش برخی سکوها؛ «غیرقانونی، غیرشفاف و غیرقابل اجرا!»

با این حال، برخی از سکوها و فعالان صنفی، موضعی صریحاً انتقادی و گاه تحریک‌آمیز نسبت به این الزامات گرفته‌اند.
مدیرعامل یکی از این سکوها در گفت‌وگویی اعلام کرده است: «شروط بانک مرکزی فاقد پشتوانه کارشناسی شفاف هستند و در برخی موارد غیرقابل دفاع‌اند. الزام به تبدیل طلای کاربران به شمش استاندارد می‌تواند به معنای انتقال غیرمستقیم کنترل دارایی‌های مردم به نهادهای خاص باشد.»
رضا الفت‌نسب، رئیس اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی، نیز با تشبیهی عجیب، اقدام بانک مرکزی را به این تعبیر کرده است: «شرکت گاز به خاطر کیفیت بد نان، گاز نانوایی‌ها را قطع کند.»
این اظهارات، در حالی بیان می‌شود که قانون‌مندی، شفافیت مالی و امنیت سایبری از پیش‌نیازهای بدیهی هر کسب‌وکار آن‌لاین در جهان امروز است. مردم در سایه تهدید؛ وقتی پول مردم را پس نمی‌دهند و طلا تحویل نمی‌شود!
موضوع نگران‌کننده‌تر این که در تمام مدتی که درگاه این سکوها مسدود بوده است، آن‌ها قادر بودند تعهدات خود را در قبال مشتریان انجام دهند؛ اما از تحویل طلا یا بازپرداخت وجوه کاربران امتناع کردند.
این یعنی: پول مردم نزد سکوها مانده، طلا خریداری شده اما تحویل داده نشده است؛ و هیچ مانع قانونی برای انجام این تعهدات وجود نداشته است.
چنین رفتاری نه‌تنها غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی است، بلکه نشانه‌ای جدی از سوءنیت، ضعف در نقدشوندگی و احتمال سوءاستفاده از سرمایه‌های مردم در پشت صحنه فعالیت این سکوهاست.

امتناع از قانون‌مندی، چراغ سبز به کلاهبرداری

سکویی که از شفاف‌سازی، ذخیره‌سازی واقعی طلا، ثبت معاملات و نظارت پلیس فتا فرار می‌کند، عملاً اعلام می‌کند که قوانین را نمی‌پذیرد و حاضر نیست به مردم بگوید پولشان کجاست، طلایشان چه شده و معاملاتشان چطور ثبت می‌شود.
در این شرایط، امتناع از پذیرش ضوابط شفاف‌ساز، به‌صراحت به معنای سرقت بالقوه دارایی‌های مردم است، این رویکرد، عملاً بستری فراهم می‌کند برای: کلاهبرداری از مردم، پولشویی با پول کاربران، پنهان‌کاری در معاملات و فرار از پاسخگویی حقوقی.
بازار طلا، یکی از حساس‌ترین بازارهای مالی کشور است و نمی‌توان آن را به حال خود رها کرد تا هرکس با هر الگویی، به نام «فناوری» و «نوآوری»، اموال مردم را در فضایی غیرشفاف مدیریت کند.
پیام بانک مرکزی روشن است: قانون‌مندی یا توقف کامل فعالیت. سکوهایی که به الزامات پنج‌گانه تن دهند، می‌توانند در مسیر شفاف، رسمی و امن به فعالیت ادامه دهند، اما آن‌هایی که در برابر قانون مقاومت می‌کنند، عملاً ثابت می‌کنند که قابل اعتماد نیستند و نباید جایی در بازار رسمی کشور داشته باشند.

> **بانک مرکزی با همکاری دادستانی کل کشور، پلیس فتا، پلیس امنیت اقتصادی و بانک کارگشایی، اقدام به تدوین دستورالعملی مشخص کرد و طی نامه‌ای رسمی، شروط لازم برای بازگشایی درگاه پرداخت سکوهای فروش طلا را به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صمت ابلاغ کرد**

آسیب به امنیت غذایی کشور در صورت ابلاغ دیرهنگام نرخ خرید تضمینی

با وجود الزام قانونی برای تعیین نرخ خرید تضمینی ۳۲ قلم محصول کشاورزی تا پایان تیرماه، تأخیر در برگزاری جلسات شورای قیمت‌گذاری به دلیل تحولات اخیر، اجرای به‌موقع این قانون را با چالش مواجه کرده است؛ این تعلل، برنامه‌ریزی کشاورزان را مختل کرده و تهدیدی جدی برای تحقق اهداف خودکفایی و امنیت غذایی در کشور محسوب می‌شود.
قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی که از سال ۱۳۶۸ به منظور حمایت از تولیدکنندگان و پایداری در تولید محصولات اساسی تصویب شده، هر ساله دولت را مکلف می‌کند تا حداکثر تا پایان تیرماه، نرخ ۳۲ محصول را اعلام کند. هدف این قانون، تضمین حداقلی از درآمد برای کشاورزان و فراهم‌سازی امکان برنامه‌ریزی پیش از آغاز فصل زراعی است؛ اما امسال، با وجود وعده‌های مسئولان مبنی بر اعلام نرخ‌ها پیش از موعد قانونی، تعویق در جلسات کارشناسی و شوراهای قیمت‌گذاری عملاً روند اجرای این قانون را متوقف کرده است. تأخیر در اعلام نرخ خرید تضمینی، بیش از یک موضوع شکلی یا اداری است. درواقع این تأخیر به طور مستقیم بر تصمیم‌گیری کشاورزان در انتخاب نوع محصول، تأمین نهاده‌ها و زمان‌بندی کشت اثر می‌گذارد. زمانی که نرخ محصول مشخص نیست، کشاورز عملاً نمی‌تواند برآوردی از سود یا زیان کشت داشته باشد و ممکن است به سمت محصولاتی برود که کمتر با اهداف کلان امنیت غذایی کشور هم‌راستا هستند. درنتیجه، تعلل در تصمیم‌گیری یک تهدید جدی برای الگوی کشت ملی و تعادل عرضه در بازار محسوب می‌شود.

کشاورزی بدون نقشه راه

نرخ خرید تضمینی، همچون تابلوی راهنمایی برای بخش کشاورزی است که مسیر سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. بدون این نرخ، نقشه راه تولید در کشور مخدوش می‌شود. در غیاب قیمت‌های مشخص، کشاورزان ممکن است از تولید محصولات استراتژیک فاصله بگیرند و به سمت محصولات غیرضروری یا بازارپسند‌تر اما غیرهم‌راستا با نیاز داخلی بروند. این در حالی است که هرگونه انحراف از الگوی کشت به معنی کاهش کارایی منابع پایه مانند آب و خاک، مازاد یا کمبود در بازار و درنهایت تهدید امنیت غذایی خواهد بود. از سوی دیگر، تعلل در اعلام نرخ‌ها باعث کاهش انگیزه در میان تولیدکنندگان می‌شود. کشاورزی در ایران به خودی خود با چالش‌هایی نظیر کمبود نهاده، نوسان بازار، گرانی ماشین‌آلات و کاهش بهره‌وری روبه‌رو است. عدم تعیین قیمت تضمینی در زمان مناسب، به این چالش‌ها دامن زده و در بلندمدت، ریسک خروج تولیدکنندگان از چرخه تولید را افزایش می‌دهد.

پیوست تورمی، ضرورتی انکارناپذیر

یکی دیگر از حلقه‌های مفقوده در روند قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی، عدم تطابق نرخ‌ها با تورم واقعی در اقتصاد کشور است. هزینه‌های تولید، از جمله بذر، سم، کود، سوخت، دستمزد کارگر و ماشین‌آلات، در یک سال گذشته رشد چشمگیری داشته‌اند. چنانچه نرخ خرید تضمینی بر مبنای این افزایش هزینه‌ها تعدیل نشود، کشاورزان در سال آینده عملاً متضرر خواهند شد. در شرایط فعلی که شاخص‌های کلان اقتصادی از رشد قابل توجه تورم حکایت دارند، نادیده گرفتن این شاخص‌ها در تعیین نرخ‌ها به معنای تحمیل زیان مضاعف به کشاورزان است. استمرار این روند نه فقط پایداری تولید را زیر سؤال می‌برد، بلکه موجب بی‌اعتمادی عمومی در بدنه کشاورزی کشور نسبت به سیاست‌های حمایتی دولت خواهد شد.

واکاوی ارتباط حمله به ایران با تضعیف پترودلار

با توجه به اهمیت راهبردی سیستم پترودلار یا دلار نفتی برای هژمونی ایالات متحده، تلاش ایران برای فروش نفت خود به ارزهای ملی می‌تواند این امر را به چالش بکشد و نفوذ واشنگتن در منطقه را کاهش دهد.
به باور بسیاری از کارشناسان، جنگ اخیر ایران با اسرائیل و ایالات متحده بخشی از نظم نوین جهانی مبتنی بر چندقطبی است که می‌تواند در آینده به کشورهای دیگر مانند پاکستان، ترکیه و درنهایت چین سرایت کند. این امر می‌تواند ابعاد مختلف نظم نوین جهانی را توضیح دهد. برای نمونه یکی از اهداف این نبرد تضعیف اهمیت کریدوری ایران به عنوان بخشی از این نظم نوین جهانی است که می‌تواند کریدورهای محور شرق مانند کریدور شمال-جنوب و کمربند و جاده چین را تحت تاثیر قرار دهد.
در راستای این نظم نوین جهانی، کشورهای بسیاری در سال‌های اخیر به‌ویژه در جنوب جهانی روی به حذف دلار از مبادلات تجاری آورده‌اند، زیرا تحریم‌ها علیه روسیه، ایران، ونزوئلا و همه مخالفان نظام سلطه غرب با محوریت ایالات متحده، این کشورها را برآن داشته که به کاربرد ارزهای جایگزین یا ارزهای ملی روی بیاورند. به طوری که اکنون دلار از بیشتر مبادلات روسیه، چین و ایران حذف شده است.
در مقابل، این رویکرد یعنی دلارزدایی به شدت برای آمریکا حیاتی است و دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده نیز کشورهای بریکس را تهدید به اعمال تعرفه‌های بیشتر کرده است. باید توجه داشت که سلطه دلار بستری برای تداوم سیاست‌های واشنگتن در جهان است و هرگونه تضعیف آن زمینه کاهش نفوذ جهانی آن را درپی دارد. از همین رو قابل توجه است که حمله به ایران را به عنوان یکی از پیشگامان روند دلارزدایی، از این منظر بررسی کرد.
اما در این میان، بحث پترودلار به نوعی برای اقتصاد ایالات متحده و ماشین جنگی آن از اهمیت بالایی برخوردار است که هرگونه اختلال در آن می‌تواند سلطه این کشور را در جهان کاهش دهد.

آغاز افول پترودلار

براساس توافق ایالات متحده با عربستان و دیگر کشورهای صادرکننده، آن‌ها نفت خود را در ازای دلار صادر می‌کنند و سپس این دلارها را از ایالات متحده خارج نکرده و آن را عمدتا در اوراق بهادار خزانه‌داری ایالات متحده سرمایه‌گذاری می‌کردند و همچنین می‌توانستند سهام و اوراق قرضه ایالات متحده را خریداری کنند. البته کشورهای عضو اوپک نمی‌توانستند هیچ شرکت بزرگ آمریکایی را بخرند و فقط می‌توانستند سهام و اوراق قرضه خریداری کرده و مجبور بودند سرمایه‌گذاری خود را در بازار سهام پخش کنند. درواقع، بیشتر پول کشورهای عربی به طور امن در اوراق بهادار خزانه‌داری ایالات متحده نگهداری می‌شد. این امر به عنوان جریان ورودی تراز پرداخت‌ها، ایالات متحده را قادر ساخت تا به هزینه‌های نظامی خود در خارج از کشور ادامه دهد تا بتواند نیروی نظامی را در پشت امپراتوری اقتصادی خود داشته باشد.
عربستان سعودی بزرگترین صادرکننده نفت جهان و یکی از ارکان سیستم پترودلار است که در دهه ۱۹۷۰ تاسیس شد و صادرات نفت خام را به دلار آمریکا قیمت‌گذاری می‌کند. در حالی که این کشور دهه‌هاست که ارزش پول خود را به دلار آمریکا ثابت نگه داشته است اما اکنون قصد دارد روابط خود را با شرکای تجاری کلیدی خود، از جمله چین، به عنوان بخشی از تلاش برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و کاهش وابستگی به نفت تقویت کند.

افزایش قیمت و تولید نفت به سرعت به افزایش ذخایر خارجی عربستان سعودی منجر شد و مقامات آن اعلام کردند که این کشور قصد دارد تا نقدینگی خود را حفظ و پس از آن در مورد نحوه تخصیص آن تصمیم بگیرد. به طوری که سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی عربستان سعودی در دارایی‌های ایالات متحده و همچنین سیاست‌های تولید نفت عربستان، قیمت‌گذاری و سلطه دلار، همگی بخشی از مذاکرات بین ایالات متحده و عربستان سعودی در سفر ترامپ به منطقه بودند.
اما موضوع فراتر از عربستان است. در سال‌های اخیر، چین تلاش کرده تا از کاربرد دلار خودداری کند؛ همانطور که روسیه دیگر قادر به استفاده از دلار نیست، زیرا ایالات متحده به سادگی ۳۰۰ میلیارد دلار از دارایی‌های ارزی روسیه در غرب را مصادره کرده است. بنابراین، جهان شاهد عقب‌نشینی سایر کشورها از دلار است. این امر نشان‌دهنده تاثیر منفی تلاش‌های ایالات متحده برای منزوی کردن سایر کشورهای جهان از ارتباط با ایالات متحده است. درنتیجه، واشنگتن منزوی می‌شود و بقیه جهان راه خود را می‌رود.
همچنین، این کشورها به دلیل تعرفه‌های بالایی که ترامپ وضع کرده و به دلیل استفاده ابزاری از استاندارد دلار که از زمان کنار گذاشتن طلا توسط آمریکا در سال ۱۹۷۱ در همه دوران استاندارد اوراق خزانه ایالات متحده، از تجارت با دلار هراس دارند.
در همین راستا مایکل هادسون، اقتصاددان در مصاحبه‌ای گفته است که ایران یکی از معدود کشورهایی است که واقعا در برابر هژمونی تک‌قطبی ایالات متحده مقاومت می‌کند. به طوری که در دنیای چندقطبی کنونی، ایران به عنوان عضوی از بریکس و حامی گروه‌های مقاومت نقش مهمی ایفا می‌کند.
به باور هادسون، امروزه تلاش ایالات متحده برای کنترل خاورمیانه و نفت آن به عنوان تکیه‌گاه قدرت اقتصادی ایالات متحده و جلوگیری از حرکت سایر کشورها برای ایجاد استقلال خود از نظم نئولیبرالی محور ایالات متحده است که توسط صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سایر نهادها برای تقویت قدرت تک‌قطبی ایالات متحده اداره می‌شود. در این میان، ایران همیشه قوی‌ترین قدرت در کل خاورمیانه و سنگ بنای کنترل این منطقه بوده است. از همین رو بدون کنترل ایران، به دلیل جمعیت زیاد و قدرت اقتصادی‌اش، نفت خاورمیانه شامل سوریه، عراق و بقیه کشورهای آن را به طور کامل کنترل نخواهد شد.
اگرچه شرکت‌های آمریکایی دوست دارند همه نفت غرب آسیا را برای اعمال نفوذ خود خصوصی کنند اما این نفت متعلق به دولت است. برای مثال، سرنگونی محمد مصدق، نخست‌وزیر ایران در کودتای سال ۱۹۵۳ با حمایت سیا در این راستاست. وی نفت ایران را ملی و شرکت‌های نفتی آمریکایی و بریتانیایی را بیرون کرد. حکومت کنونی ایران پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، نفت را نیز ملی کرد. بنابراین، دولت ایالات متحده به دنبال کاهش کنترل دولتی نفت در این منطقه یا اعمال نفوذ در کشورهای نفت‌خیز مانند حاشیه خلیج فارس است، زیرا این موضوع مربوط به حفظ نظم مالی فعلی است که واقعا توسط نفت و مؤلفه «پترودلار» پشتیبانی می‌شود.
باید توجه داشت که اکنون ایران مستقیما آن سیستم پترودلار را به چالش می‌کشد و نفت خود را به چین با یوان چین می‌فروشد. همچنین ایران و هند در مبادلات خود به‌ویژه انرژی خود از پول‌های ملی یعنی ریال و روپیه استفاده می‌کنند یا اساسا کالاهای کشاورزی خود را با نفت ایران تهاتر می‌کنند.
همچنین ایران اولین کشوری بود که هدف تاکتیک‌های تحریمی ایالات متحده قرار گرفت و اکنون این تاکتیک‌ها چنان رایج شده‌اند که شاهد نوعی شورش جهانی علیه این سیستم، حتی توسط متحدان دیرینه ایالات متحده بوده‌ایم. مثلا عربستان سعودی و امارات متحده عربی که از نظر تاریخی کشورهای وابسته به آمریکا بوده‌اند، اکنون مشاهده می‌کنند که چه سیاستی در قبال روسیه، ایران و ونزوئلا اتخاذ شده و نگران این امر هستند که احتمالا کشور بعدی، خودآن‌ها باشند.
درواقع، کشورهای دیگر متوجه می‌شوند که چه اتفاقی روی داده و کشورهای آسیایی، جنوب جهان و حتی کشورهای اروپایی مانند آلمان و ایتالیا نمی‌خواهند در همان تله کشورهای عربی گرفتار شوند که پس‌اندازها، اوراق بهادار خزانه‌داری، سهام و اوراق قرضه ایالات متحده و سرمایه‌گذاری‌ها در ایالات متحده گروگان گرفته شده‌اند؛ از همین رو ذخایر طلای خود را افزایش داده‌اند.
درمجموع، تلاش‌های ایران برای حذف دلار از مبادلات خارجی و به‌ویژه نفت، سیگنال مهمی برای کاخ سفید است که در صورت تداوم این روند و سرایت آن به دیگر کشورهای منطقه، دیگر پترودلار اهمیت خود را از دست خواهد داد و این امر پیامدهای مهمی برای نفوذ جهانی ایالات متحده به‌ویژه در غرب آسیا دارد. از همین روی، تلاش برای تضعیف ایران و محور مقاومت بخشی از دفاع از سیستم پترودلاری است.

جنگ، انسجام اجتماعی و وظیفهٔ اقتصاددان

دانیال داوودی
پژوهشگر اقتصادی

جنگ روی اقتصاد کشورهای درگیر اثر منفی می‌گذارد اما آیا این بدان معناست که در شرایط جنگی، کاری از دست اقتصاددان برنمی‌آید؟! پاسخ منفی است. اقتصاددان اولاً می‌تواند از طریق توصیهٔ سیاست‌هایی که تاب‌آوری را افزایش می‌دهند، مانع از کاهش قابل توجه رشد اقتصادی شود. در ثانی با توصیهٔ سیاست‌هایی که به کاهش نابرابری و تأمین نیازهای اساسی طبقات پایین درآمدی کمک می‌کنند، اقتصاد می‌تواند به سهم خود به حفظ و ارتقای انسجام اجتماعی کمک کند. همچنین در عرصهٔ سیاسی، هر توصیه‌ای که منجر به قطبی‌شدن سیاسی بینجامد، می‌تواند از طریق اثر مخرب بر انسجام اجتماعی، روی نتیجهٔ جنگ اثر منفی بگذارد.

دو نکتهٔ اقتصادی

یک. در شرایط جنگی کسی از اقتصاد (به معنای افزایش قدرت خرید و کاهش فقر) انتظار کمک به افزایش انسجام اجتماعی را ندارد. به‌طور مثال نرخ فقر از ۲۰٫۶ درصد در ۲۰۲۱ به ۳۵٫۵٪ در ۲۰۲۳ افزایش یافت. همچنین فقر مطلق نیز از ۱٫۳ درصد در ۲۰۲۱ به ۸٫۸ درصد در ۲۰۲۳ رسید. این در حالی است که درمجموع شاخص‌های نشان‌دهندهٔ انسجام اجتماعی پس از جنگ در اوکراین بهبود قابل توجهی داشتند.
دو. براساس پژوهش‌هایی که روی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی انجام شده است، اگرچه افزایش درآمد سرانه اثر مثبت بر افزایش انسجام اجتماعی دارد اما افزایش نابرابری‌های درآمدی اثر منفی به‌مراتب بیشتری بر انسجام اجتماعی دارد. اگرچه در شرایط جنگ قدرت خرید و درآمد سرانه کاهش می‌یابد و رشد اقتصادی در حاشیه قرار می‌گیرد، اما سیاست‌های اقتصادی معطوف به بهبود وضعیت نابرابری درآمدی و همچنین سیاست‌های حمایتی (تأمین حداقل معیشت و نیازهای اساسی طبقات پایین درآمدی) موضوعیت دارند و می‌توانند به افزایش انسجام اجتماعی کمک کنند؛ بنابراین نمی‌توان به‌طور کلی گفت «اقتصاد نمی‌تواند در این شرایط کمکی به افزایش انسجام اجتماعی کند».

یک نکتهٔ سیاسی

سه. اگر عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی را به سه دستهٔ «اقتصادی»، «اجتماعی-فرهنگی» و «سیاسی» تقسیم کنیم، مهم‌ترین عامل سیاسی مخرب انسجام اجتماعی، قطبی‌شدن سیاسی (Political polarisation)-به معنای افزایش فاصله و تنش میان گروه‌های مختلف-است؛ بنابراین هنر حاکمیت در شرایط جنگی که انسجام اجتماعی به اکسیری حیاتی تبدیل می‌شود، نه دادن آزادی‌های سیاسی بیشتر به افراطی‌های دو سر طیف در میان کنشگران سیاسی، بلکه ایجاد تعادل و توازن میان گروه‌های سیاسی وفادار به منافع ملی برای حفظ و ارتقای انسجام اجتماعی است.

جمع‌بندی

بنابراین اولاً اقتصاددان نباید در این شرایط از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و افزایش انسجام اجتماعی را به سایرین حواله دهد. ارائهٔ راهکارهای اقتصادی برای کاهش فقر مطلق (با تأمین حداقل نیازهای اساسی) و کاهش نابرابری درآمدی-به‌رغم آنکه می‌دانیم رشد اقتصادی منتفی است-از وظایف اقتصاددان است. همچنین پیشنهاد سیاست‌هایی برای تاب‌آوری بیشتر اقتصادی (کاهش کمتر رشد اقتصادی در شرایط جنگی) نیز می‌تواند از وظایف اقتصاددان باشد. در بعد سیاسی نیز ارائهٔ پیشنهاداتی که فقط یک بخش از جامعه را مدنظر قرار می‌دهد-از جمله افزایش آزادی‌های سیاسی عناصر افراطی یک جریان خاص-نه‌تنها به افزایش انسجام اجتماعی کمک نمی‌کند، بلکه مخرب آن است و می‌تواند به‌طور پینگ پونگی واکنش عناصر افراطی دیگر طیف‌های سیاسی را در پی داشته باشد به قطبی‌شدن سیاسی بینجامد.